

# امپریالیسم آمریکا میکوشد تا جمهوری اسلامی ایران را به جنگ برادرکشی بکشانند

**حفظ و تامین آرامش و امنیت و مقابله قاطع با تشنج، درگیری و چماق‌داری - بهر شکل که بروز کند - يك وظیفه انقلابی است.**

**ریاست جمهوری و «مجاهدین خلق» باید هر چه سریعتر و قاطعتر حساب خود را از «جبهه براندازی» جدا کنند.**

عمده‌ترین مشخصات این توطئه عظیم را تشکیل میدهند، که در روزهای اخیر همه‌عناصر آن‌فعالان به صحنه آمده‌اند. یکی از مهمترین عناصر این توطئه بزرگ، تلاش برای کشاندن مردم در مقیاس سراسر کشور به گرداب درگیری و تشنج و ایجاد زمینه برای بی‌اعتبار کردن و بی‌ثبات کردن جمهوری اسلامی ایران، تضعیف انقلاب و در نهایت، مسخ و نابودی آنست.

بقیه در صفحه ۴

است، هدفش در مرحله کنونی روی کار آوردن يك دولت «معتدل و معتدل و میانه‌رو» و یا سخن دیگر، دولتی از لیبرالها است. برای این منظور، امپریالیسم آمریکا و وابستگان و متحدان (آگاه یا ناآگاه) داخلی آن، تمامی نیروی خود را بکار گرفته‌اند، از وارد آوردن فشار اقتصادی، مالی و نظامی ناشی از جنگ تجار و کارخانه‌روزم صدام حسین، که با تمام قوا از آن حمایت می‌کنند، گرفته تا تلاش برای ایجاد تشنج و درگیری گسترده و بالنتیجه بی‌اعتبار کردن قانون و سلب کامل امنیت و سرانجام سوق دادن کشور به سوی جنگ برادر کشی داخلی،

واقعه روز ۱۴ اسفندماه ۵۹ در دانشگاه تهران، که به درگیری گسترده‌ای انجامید و فضای شهر را بکلی متشنج ساخت و بدنبال آن حوادث لاهجان، که دو کشته بر جای نهاد و سپس گسترش تشنج در مشهد و برخی شهرهای دیگر، صرفنظر از تاسف و تأثیری که بر جای گذاشت، نور روشنگرانه‌ای بر توطئه عظیمی ریخت که با تمام قوا توسط امپریالیسم آمریکا و وابستگان و متحدان (آگاه یا ناآگاه) داخلی آن، تدارک‌میشود و مراحل آخر خود را میگذراند. این توطئه، همانگونه که بارها و بارها توسط سخن‌گویان امپریالیسم آمریکا، بیان شده

## کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن و درگیری، توطئه ضد انقلاب است

★ کارگران و زحمتکشان بوظیفه و مسئولیت انقلابی خود عمل میکنند و از توسل به حریم‌های اعتصاب، تحصن و درگیری در محیط‌های کار خودداری و با تمام نیرو جلوگیری میکنند.

★ دولت نیز باید بوظیفه خود عمل کند و امر مهم مبارزه موثر و قاطع با گرانی و احتکار را چندی بگیرد.

**نامه**

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۶۴  
شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با  
۳ جمادی الاول ۱۴۰۱ - ۱۵:۱۵ ریال

## دولت انگلستان در توطئه نظامی آمریکا در خلیج فارس بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شرکت میکند

ماجراجویی‌های خود در خلیج فارس بکشاند، بهیچ‌روی تازگی ندارد.

بقیه در صفحه ۴

نیز موید این ادعاست. از پشتیبانی نخست‌وزیر بریتانیا، سیاستمداران کشور هم‌پیمان آمریکادار اروپای باختری بود، که پس از انتخاب ریگان به ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، پدیدار وی شافت، ریشه این «اولویت‌سنجی» را در چارچوب «مناسبات ویژه‌ای» باید جستجو کرد که آمریکا با «سلف برای «پسرعمو»ی قوت و سلف کارگشته خود در سیاست‌استعماری و تاراج‌گرانه بر خلق‌های ستمدیده جهان، لااقل در حرف، قائل هستند.

خانم مارگارت تاچر، نخست‌وزیر بریتانیا، نخستین سیاستمدار یک کشور هم‌پیمان آمریکادار اروپای باختری بود، که پس از انتخاب ریگان به ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، پدیدار وی شافت، ریشه این «اولویت‌سنجی» را در چارچوب «مناسبات ویژه‌ای» باید جستجو کرد که آمریکا با «سلف برای «پسرعمو»ی قوت و سلف کارگشته خود در سیاست‌استعماری و تاراج‌گرانه بر خلق‌های ستمدیده جهان، لااقل در حرف، قائل هستند.

ضدانقلاب و محافل وابسته به آن در داخل کشور، توجه خاصی خود را به ایجاد اعتصاب، تحصن و درگیری در واحدهای بزرگ صنعتی معطوف داشته‌اند. این توجه خاص پس از شکست فعالیت خراب‌گرانه آنها در واحدهای خدماتی، نظیر شرکت واحد اتوبوسرانی، صورت می‌گیرد.

اخیر رسیده حاکمیت که در ایجاد اعتصاب و تحصن، بویژه واحدهای بزرگ صنعتی منطقه جنوب تهران، در جاده قدیم کرج و ساوه، مورد نظر قرار گرفته است. هم‌اکنون در این ناحیه کارگران کارخانه شیشه و گاز در حال اعتصابند؛ در کارخانه بنز خاور تحریکات وسیعی در این زمینه در جریان است. يك واحد از کارخانه‌های کفش ملی، در پی حوادث چند روز گذشته، به اعتصاب ادامه می‌دهد. همچنین عوامل معینی به‌ادامه تشنج در شرکت واحد اتوبوسرانی ناحیه جنوب دامن می‌زنند. طبیعی است که ضدانقلاب در ایجاد اعتصاب و تحصن و درگیری در واحدهای بزرگ صنعتی روی نقاط ضعف جدی انگشت گذاشته است. عدم پرداخت بدهی‌ها (مثلا کارگران شرکت ساختمانی ۱۰۰ پانچ ماه است حقوق دریافت نداشته‌اند)، گرانی و تورم، زیان فاحشی به دستمزدها وارد ساخته و توانایی را از زحمتکشان سلب می‌کند.

مسئله دریافت پاداش و سودویژه نیز با نزدیک شدن عید به‌بهرتری وضع، بویژه در واحدهای بزرگ صنعتی و خدماتی می‌افزاید، زیرا درحالی، که کارگران محق به دریافت پاداش،

بقیه در صفحه ۸

## در فارس ضد انقلاب سازمان یافته دست اندر کار توطئه است

اکنون مدتی است که بعضی از واحدهای تولیدی و صنعتی استان فارس، آماج آشوبگری و فتنه‌انگیزی ضدانقلاب است. بنابر اخبار رسیده و موجود، توطئه‌گران با پخش شایعات گوناگون قصد دارند در کارخانه‌های بزرگ و واحدهای تولیدی و صنعتی، اعتصاب و تحصن راه بیندازند. شواهد مختلفی در دست است که بر اقدامات تخریبی و کارشکنانه عوامل ضدانقلاب و عناصر لیبرال، که در اکثر موسسات تولیدی لانه کرده‌اند، دلالت دارد.

ضدانقلاب سازمان یافته، با همیاری عناصر طاغوتی و مائوئیست‌های آمریکائی از هفته دوم اسفندماه دست به انتشار شایعاتی در کارخانجات پتروشیمی، پالایشگاه و واحدهای مختلف خط لوله و مخازن زدند. در کارخانه پتروشیمی شایع کرده‌اند که: حق شیفت کارگران پتروشیمی شیراز از ماه آینده قطع خواهد شد. در پالایشگاه شیراز تلاش میشود که با طرح حق پاداش و مسئله پاداش عیدی، زمینه را برای يك اعتصاب فراهم سازند. در خطوط لوله و مخازن فارس هم شایعات مشابهی بطور وسیع براف انداخته‌اند. بدینسان ضدانقلاب میکوشد در این

بقیه در صفحه ۴

## بر اساس اطلاعیه ۴۲۸ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران:

### حمله نیروهای عراقی در جبهه ایلام دفع شد

در ادامه نبرد میان دلاوران انقلاب و نیروهای متجاوز صدامی، ضربات سنگینی بر بیکر دشمن وارد آمد. بر اساس اطلاعیه ۴۲۸ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در روز شانزدهم اسفندماه، رزمندگان نیروی زمینی، مواضع قوای عراقی را در جبهه‌های میروان زیر آتش گرفتند و سه خودرو، دو بولدزر، چهار خمپاره‌انداز، دو

انبار مهمات و يك پست دیده‌بانی دشمن را منهدم کردند. در این حمله به پادگان عراق خساراتی وارد آمد و حدود بیست نفر از افراد دشمن کشته و مجروح شدند. در این روز تبادل آتش در بیشتر جبهه‌های غرب ادامه داشت، ولی شدت مبادله آتش در میمک و کانس سخت بیشتر بود. در جبهه سرپل‌ذهاب سه نفر دو بولدزر، چهار خمپاره‌انداز، دو

بقیه در صفحه ۸

### تشنه بر ژنرال:

## جامعه شوروی، جامعه کار است، کار پر مضمون، جالب و خلاق

خلاصه آخرین بخش گزارش تئوئید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، به کنگره یستو ششم این حزب را بنظر خوانندگان نامه «مردم» میرسانیم:

تئوئید برژنف در این بخش از گزارش خود، راجع به وضع اقتصادی کشور، نتایج برنامه پنجساله گذشته و وظایف آینده سخن گفت. وی اظهار داشت: «پیش از ۱۴۰ میلیون نفر از مردم شوروی در بحث درباره پیش-نویس طرح کمیته مرکزی، که در آن ستمهای اساسی پیشرفت اجتماعی و اقتصادی اتحاد شوروی برای سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱ و پس از آن تا سال ۱۹۹۰ منظور

بقیه در صفحه ۷

این نخستین بار نیست که امپریالیسم آمریکا برای استوار مقاصد مداخله‌گرانه خود در خلیج فارس، «خطر شوروی» و «تهدید کمونیسم» را بی‌راهن عثمان میکند. این نیز که دولت آمریکا میکوشد تا پای متحدان اروپای غربی خود را هم در

## چه کسی و برای چه هدفی «جوسازی» میکند؟

«جوسازی»، بدانسان که ما معنای آن را می‌فهمیم، عبارتست از کوشش در راه تأثیر در افکار عمومی از طریق «دروغ‌پردازی» و تبلیغ و نشر افکار و اندیشه‌های

نادرست برای نیل به هدفهای ناسالم. «جوسازی» درحقیقت یکی از شاخه‌های «علم» عوام‌فریبی است

بقیه در صفحه ۷

## سؤال از مجاهدین خلق

چرا در اجتماع روز ۱۴ اسفند ماه ۵۹ در دانشگاه تهران، که «سازمان مجاهدین خلق» هم‌رسما در آن شرکت کرده بود، حتی يك شعار علیه امپریالیسم آمریکا داده نشد؟

آیا «مجاهدین خلق» امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی مردم ایران و انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران نمی‌دانند؟

توطئه‌گر داخلی. در اینجا هم آقای مهندس بازرگان آب تطهیر پر دستهای خونی پانده‌های جنایتکار درباره، ایادی رنگارنگ امپریالیسم از قبیل بقالی‌ها ریخت و حزب توده ایران را، که بویژه از ۳۰ تیر ۱۳۳۹، علیرغم غیرقانونی بودن، با اینکه زیر فشار انواع تضيیقات قرار داشت و صدها نفر از اعضایش در زندان‌ها بودند، از دولت دکتر مصدق دفاع می‌کرد، «برچسمدار توطئه» دانست.

آقای مهندس بازرگان در اوج اقترازی خود به حزب توده ایران، بر سرستان بالا افزود: «آنروز حزب توده بود که خیانت می‌کرد. (جمهوری اسلامی - ۱۶ اسفند ۵۹)

و لابد بخاطر همین «خیانت» بود که بعد از کودتادسته‌دسته توده‌ای‌ها را به جوخه اعدام بستند و گروه گروه به سياهچال‌ها و شکنجه‌گاهها فرستادند، و به «بازرگان‌ها»، که «خیانت» نکرده بودند، اجازه دادند در راس کارخانه‌ها به «خدمت» ادامه بدهند! و اما از حق نکندیم. آقای مهندس بازرگان، در کنار اقتراهائی

بقیه در صفحه ۴

آقای مهندس بازرگان، در سخنرانی به مناسبت سالروز درگذشت دکتر مصدق، در اسفهان، باردیگر به اقترازی علیه حزب توده ایران پرداخت، و در همانحال باردیگر شیوه تفکر سیاسی خود را نشان داد. آقای مهندس بازرگان مثل همیشه و درست مطابق سیاست خود در ۳۰ سال گذشته، نه تنها کلمه‌ای علیه امپریالیسم آمریکا نکتف، بلکه حتی از آوردن اسم آمریکا هم خودداری کرد.

باین ترتیب، توسط آقای مهندس بازرگان - باز هم مثل همیشه - آمریکا از برپا کردن کودتای ۲۸ مرداد تیره شد (عاملان شکست دکتر محمد مصدق باین ترتیب معرفی شدند: «اتحاد و اتفاق بود چه در خارج و چه در داخل علیه حکومت ملی دکتر مصدق، توطئه‌ای که در داخل برچسمدار آن حزب توده بود.» (میزان - ۱۶ اسفند ۵۹)

توطئه‌گر خارجی، که قبلا توسط آقای مهندس بازرگان معرفی شده بود، انگلستان بود. البته، بزعم ایشان، انگلستان تنها نبود. «استالین و روسیه» هم به او کمک می‌کردند! بنابر این میباید

## آقای مهندس بازرگان!

### بجای افترا زنی به حزب توده ایران، پروتکل مذاکره با برژینسکی را منتشر کنید!

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### امپریالیسم آمریکا میکوشد...

بقیه از صفحه ۱  
توطئه گران قبل از هر چیز بکلی امپریالیسم آمریکا و مبارزه با این شیطان بزرگ - دشمن اصلی مردم ایران را، که شعار اصلی انقلاب است، در پسرده نهاده اند و مبارزه را به آماجهای انحرافی، متوجه ساخته اند. خطی موهوم توده ای ها و «خطر شوروی» که از جانب دستکاهای تبلیغاتی امپریالیستی مطرح شده اند، در این حوادث بجای خطر واقعی و جدی امپریالیسم آمریکا، نشست. سازمان دهندگان توطئه های اخیر همچنین نهایت تلاش خود را بخرج دادند تا صحنه کشور را به رویارویی نیروهای انقلابی و مسئولان علیه یکدیگر بکشانند و بویژه با پنهان شدن در پشت سر رئیس جمهور و بیپناه حمایت از او، نهادهای انقلابی را، که عمده ترین نیرو-های حافظ انقلاب هستند، به باد حمله گیرند. توطئه گران در این کار از «مجاهدین خلق» نیز، که پدام آنها افتاده و بکلی امپریالیسم آمریکا را به فراموشی سپرده اند، بهره گرفتند.

### مجریان توطئه هفتم آمریکا چه کسانی هستند؟

ترکیب نیروهای که توطئه های اخیر را پدید آورده اند و بدان دامن میزنند، عبارتند از: ضد انقلاب سازمان یافته، عوامل ساواک، که یافرازی هستند و یا رها از کنترل و مجازات، در میان مردم پنهان شده اند، لیبرالها، مائوئیستهای آمریکائی، کلان- سرمایه داران و بزرگ مالکان. متاسفانه برخی از نیروها و عناصر فریب خورده ای که جای واقعی آنها در این جبهه نیست - مانند «مجاهدین خلق» نیز، عملاً در دام جبهه براندازی افتاده اند و با کمال تأسف و تعجب و نگرانی، رئیس جمهور نیز هنوز توانسته است، خود را از این جبهه جدا کند.

تمامی عناصر اصلی این جبهه متحد براندازی، در دو سال گذشته و در آزمونهای متعدد دشمنی کین توزانه و سازش ناپذیر خود را با انقلاب، تعمیق آن و دستاوردهای آن، آشکار ساخته اند:

از ضدانقلاب سازمان یافته و ساواکیها، که با نفوذ مخرب در همه ارگانهای جمهوری اسلامی و نیز در شکل گروههای متشکل و مخفی و مسلح در دو سال اخیر آمادگی خود را برای اجرای هر توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا نشان داده اند گرفته، تا لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی، که تمام نیروی خود را برای منحرف کردن شعار اصلی انقلاب ایران علیه شیطان بزرگ یکسار انداخته اند، به تفرقه افکنی دامن زده اند و با حادثه آفرینی های متعدد، درگیری و تشنج را پدید آورده و آنرا پیوسته شدت بخشیده اند. از کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان که از یک طرف توطئه گران را از نظر مالی تامین و تقویت و پشتیبانی کرده و از طرف دیگر علیه خواستهای بحق مردم زحمتکش و بویژه در جهت وخیم کردن وضع معیشتی آنها، توطئه کرده و برای ایجاد بحران اقتصادی کوشیده اند، همه و همه، متحد در عمل، به تحقق توطئه هفتم آمریکا یاری می رسانند. در اینجا باید افزود که انحصار طلبی ها، قشری گریها، ندانم کاریها، زیاده رویها و اشتباهات برخی از نیروها در حاکمیت انقلابی، سرعت مورد سوء استفاده جبهه براندازی واقع شده است و میشود و تلاش برای ایجاد بدبینی و نارضایتی در میان مردم بر اساس سوء استفاده از این نارسائیه و زیاده رویها، از راه فعالیت مستمر و پیگیر نیروهای متشکله در این جبهه است.

### چه باید کرد؟

گرچه جبهه براندازی دامنه وسیع و خطرناکی به توطئه های

### درفارس ضدانقلاب...

بقیه از صفحه ۱  
واحدهای تولیدی و خدماتی، کارکنان را به بیپناه تامین خواستهای صنفی، رو در روی مسئولین دولتی و مراجع ذیصلاح قرار دهد.

در شهر شیراز کوششهایی بعمل می آید تا فئودالها و خانهای مطرود استان متشکل شوند و با تشکیل باندهایی از قبیل «کشاوریان استان فارس» تصمیماتی اتخاذ کنند و دهقانان بی زمین و کم زمین را زیر فشار قرار دهند و زمینهایی که توسط روستائینان زحمتکش کشت شده بزرگ از آنها باز پس بگیرند. نمونه این تشبیهات زمین داران بزرگ و خانهای منطقه، وضع نهایت متشنج و خطرناکی بود که نزدیک بود در روستاهای داراب بوجود آید. دهقانان، که بدفاع از حقوق خود ایستاده بودند با تهدیدهای بزرگ مالکان منطقه روبرو شدند، ولی با پادرمیانی نهادهای انقلابی داراب و مقامات مسئول آن شهر تشنج بطور موقت، فروکش کرد. در شهر شیراز، این اواخر، در مدارس نیز تشنج پیاپی صورت میگردد و پادگیریهای روزانه، ضدانقلاب تمام کوشش خود را بکار می برد که محیط شهر را به آشوب بکشاند. شهر شیراز، که محل اسکان گروه کثیری از هموطنان جنگ زده خوزستانی ماست و مقامات مسئول تلاش خود را برای حل مسائل آنها بکار می برند، این روزها، برکنار از درگیریهای ضدانقلاب نیست، که میکوشد مسئله آوارگان جنگ زده را دستاویزی قرار دهد. گروهکهای چپنا و مائوئیستهای آمریکائی یا بخش اعلاهیهای متعدد در سطح شهر، بویژه در بین جنگ زدگان، به تحریک و تشنج مشغول اند. باندهای مسلح در خود شهر شیراز نیز لانه کرده اند و هر از گاهی دست به راه پندان و

### دولت انگلستان...

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، اینک بظاهریه بیپناه حفظ «منافع حیاتی» خود در مقابل «خطر کمونیسم» و در واقع برای پیشبرد مقاصد تجاوزکارانه و تاراجگرانه خویش علیه جنبشهای آزادی بخش منطقه، بویژه علیه خلقها و انقلابیهای ایران، افغانستان و فلسطین، عظیم ترین سپاه مسلح خود را از دوران جنگ دوم جهانی تا کنون، در منطقه خلیج فارس متمرکز ساخته است. از سوی دیگر، بیدرتک پس از آغاز تجاوز دارودسته صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران، کارتر از متحدان اروپای غربی خود و ژاپن خواست، که برای «تامین عبور آزاد از تنگه هرمز» به تشکیل «ناوگان مشترک» بپردازند. شرکت بریتانیا در «سپاه چندملیتی غرب در خلیج فارس» دنباله منطقی اقدامات ستیزه جویانه دولت این کشور علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

دولت مارگارت تاچر از نخستین کشورهای عضو «جامعه اقتصادی اروپا» و «ناآ» بود، که چه در گردهم آییهای این دو اتحادیه امپریالیستی و چه در سازمان ملل متحد، از دسیسه براندازانه تحریم اقتصادی امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی فعال کرد. **☆** تجاوز نظامی نافرجام «طیس» را مورد تأیید قرار داد و از شکست آن ابراز تأسف کرد. **☆** پس از تجاوز دارودسته صدام حسین به ایران، پناهی توصیه دولت آمریکا، و پاپای آلمان

خویش داده است و متاسفانه به علت آنکه مقامی مانند ریاست جمهوری نتوانسته است هنوز خود را از این جبهه جدا کند و نیروهای چون «مجاهدین خلق» هنوز به اشتباه عظیم خود پی نبرده اند، وضع فوق العاده بغرنج شده است؛ ولی مقابله با این توطئه خطرناک و خرنده، که کشور را به سوی جنگ پرادرکنی داخلی، پیش می برد، هنوز میسر و ممکن است و اگر با هشیاری و قاطعیت و سرعت با آن برخورد شود، قابل مهار و دفع است. وظیفه انقلابی همه مردم، همه نیروهای راستین انقلابی، همه مسئولان ایجاب میکنند که: برای مقابله با این توطئه عظیم و خطرناک، یکایک شکردها و جنبه های توطئه خنثی شود. باید دانست که هرگونه تلاش برای منحرف کردن اذهان و جو سیاسی کشور از خطر جدی و واقعی امپریالیسم آمریکا - از جانب هر کس و با هر نیت - بسود پیشبرد توطئه است. باید هرگونه تفرقه افکنی و تسلیم در برابر هرگونه شاتاز را، که به تفرقه دامن بزند، محکوم کرد و با آن مقابله نمود. باید هرگونه تلاش برای ایجاد تشنج و درگیری را، که قانون را بی اعتبار سازد و امنیت را سلب کند، قاطعانه عقیم گذارد. باید با شناسائی، تعقیب و دستگیری و مجازات سازمان دهندگان مهاجمینی، که طبق اسناد و شواهد متقن، ضد انقلاب سازمان یافته و ساواکی-های کار کشته و جاسوسان دسیه آنها را رهبری می کنند، قاطعانه به خشکاندن ریشه چماقداری، که ۲ سال است با دامنه ای رو به گسترش امنیت و قانون را سلب و بر اعتماد مردم لطمه وارد کرده است، اقدام کرد و آزادیهای دمکراتیک را طبق قانون اساسی تامین و تضمین نمود. باید با اجرای سریع و قاطع قانون اصلاحات ارضی، دهقانان زحمتکش، یعنی نیمی از جمعیت را به پشتیبانی فعال از انقلاب جلب کرد و با اتخاذ تصمیماتی قاطع علیه تجار غارتگر بازار و سرمایه داران بزرگ توطئه گر و ضدانقلابی، با تصویب و اجرای سریع اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، از گسترش نارضائیها، معانفت کرد. رئیس جمهور و «مجاهدین خلق» نیز باید سرانجام بخود آیند و حساب خود را از جبهه براندازی هر چه سریعتر و قاطعتر جدا سازند.

اکنون لحظه ای بسیار حساس در تاریخ انقلاب بزرگ مردم ایران است. جبهه ضدانقلاب به رهبری و هدایت امپریالیسم آمریکا، تمام نیروی خود را برای وارد آوردن ضربت قطعی، بسیج کرده است. تمام نیروهای متعبد به انقلاب و علاقمند به سرنوشت آن نیز باید تمام نیروی خود را زیر رهبری امام خمینی برای خرد کردن توطئه، بسیج و متحد کنند.

غربی و فرانسه، حضور نظامی خود را در منطقه خلیج فارس گسترش داد.

☆ به تبعیت از دولت آمریکا و برپایه نمونه «سپاه واکنش سریع» پنتاگون، بتشکیل یک «ناوگروه جنگی عملیات سریع» پرداخت. هدف این «ناوگروه» نیز «تامین عبور کشتیهای بریتانیا از آبراه های خلیج فارس» توصیف شده است.

دیدار ریگان - تاچر بحق فکرائی و انزجار خلقهای کشورهای منطقه خلیج فارس را برانگیخته است. رسانه های گروهی این کشورها، از جمله برخی از مطبوعات ایران، تشکیل باصطلاح «سپاه چندملیتی غرب» را در خلیج فارس، بمثابة تهدیدی جدی علیه استقلال و امنیت کشورهای منطقه و افزایش حضور نظامی امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و بیاری فعال دولتهای امپریالیستی اروپای غربی، ارزیابی کرده اند.

این گام تشن فزایانه «غرب» هنگامی برداشته میشود، که دولت اتحاد شوروی، باردیگر، از زبان لئونید برژنف، در بیست و ششمین کنفرانس «پیشنهادهای دهلی» خود را درباره اقدامات مشخص در جهت تشن زدایی فوری و موثر تکرار کرد و تعمیم داد.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران نه تنها وظیفه دارد که ادامه شرکت دولت بریتانیا را در دسیسه های جنگ آفریزانه و تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا محکوم سازد، بلکه شایسته است که در کوششهای بین المللی برای تبدیل منطقه خلیج فارس به منطقه صلح شرکت فعال داشته باشد.

### آقای مهندس بازرگان...

بقیه از صفحه ۱

که به حزب توده ایران زده، یک واقعت را هم درباره حزب توده ایران بیان کرده است:

«امروز هم اولین گروه که بر علیه دولت موقت مخالفت نمود و افشاگری کرد، حزب توده، فدائیان خلق و چپها بودند». (همانجا) آری، آقای مهندس بازرگان در اینجا درست گفته است: حزب توده ایران با سیاست دولت موقت مخالف بوده و هست. ولی این مخالفت جنبه شخصی ندارد و بر اساس پیشداری نیست. این مخالفت بدلیل این است که دولت موقت لیبرالها، همسو با منافع امپریالیسم آمریکا، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان حرکت می کرد و میخواست ایران را باردیگر به عراده امپریالیسم ببندد، سرمایه داری و بزرگ مالکی را حفظ کند، در یک کلمه انقلاب را مسخ کند و جاده صاف کن ضدانقلاب برای نابودی انقلاب باشد - یعنی سیاستی که هنوز هم لیبرالها آنرا ادامه میدهند. حزب توده ایران با هر نیرویی که این سیاست را داشته باشد، مخالف بوده و هست و خواهد بود. بنابراین، این سیاست «زیرکانه» آقای مهندس بازرگان، که ابتدا حزب توده ایران را «عامل سقوط» دکتر مصدق می شمرد و بعد هم بلافاصله آنرا به امروز وصل می کند، تا دولت موقت را تبرئه کند و حزب توده ایران را بجای آمریکا زیر ضربه بگیرد، مثل آب در هاون کوبیدن بی ثمر است. آخر عین سخنان ایشان را همین چند هفته پیش، از هفت تیرکش جدید کاخ سفید همه شنیده اند.

سخن را خلاصه کنیم. آقای مهندس بازرگان! شما با این افتراها نمی توانید آب رفته را به جوی برگردانید. نمیتوانید سیاست سازشکارانه و تسلیم طلبانه دولت موقت را تبرئه کنید. نمیتوانید سیاست لیبرالها را که جاده صاف کن ضدانقلابند، توجیه کنید. لذا بهتر است بجای افترازی به حزب توده ایران، پروتکل مذاکره با برزیسکی را منتشر کنید، تا مردم خود به قضاوت بنشینند.

**در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!**



# چند پرسش و پاسخ درباره سالوادور

## «جبهه آزادیبخش ملی فارابوندو مارتی» از چه نیروهای تشکیل میشود؟

در اوایل سالهای ۷۰ جنبش پارتیزانی وسیعی در سالوادور پدید آمد. در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) سازمان «نیروهای مسلح آزادی خلق فارابوندو مارتی» بنیان گذاشته شد، که بویژه بر پرولتاریای روستایی تکیه داشت. «ارتش انقلابی خلق» در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) تأسیس یافت. این «ارتش» بخصوص با نظامیان و نیروهای مسلح مبارزه می‌کرد. «نیروهای مسلح مقاومت ملی» در سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵) بنیانگذاری شد و عملیات آن بیشتر متوجه شعبه‌های کنسرن‌های چند ملیتی بود.

گروه‌های نامبرده مدتها هر یک برای خود می‌جنگیدند و تماس با یکدیگر با مردم و سازمان‌های توده‌ای انقلابی نداشتند.

در روستان سال ۱۳۵۸، «نیرو-های مسلح آزادی خلق»، «نیروهای مقاومت ملی»، «نیروهای مسلح آزادی بخش»، یعنی بازوی مسلح حزب کمونیست سالوادور، و «کمیته هماهنگی انقلابی» نخستین جبهه سازمان‌های مقاومت مسلحانه را پدید آوردند. این سازمان در اول خرداد ۱۳۵۹ (۲۲ مه ۱۹۸۰) ستیاد مشترک فرماندهی را زیر عنوان «رهبری مشترک انقلاب» («درو») پایه گذاشتند. در ۱۹ مهر ۱۳۵۹ (۱۱ اکتبر ۱۹۸۰)، با وحدت سازمانی چهار گردان مسلح مقاومت خلق، «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی» پدیدار شد.

بیش از دو ماه پیش، یک گروه پنجم نیز، بنام «حزب انقلابی زحمتکشان آمریکای لاتین»، به «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی» پیوست.

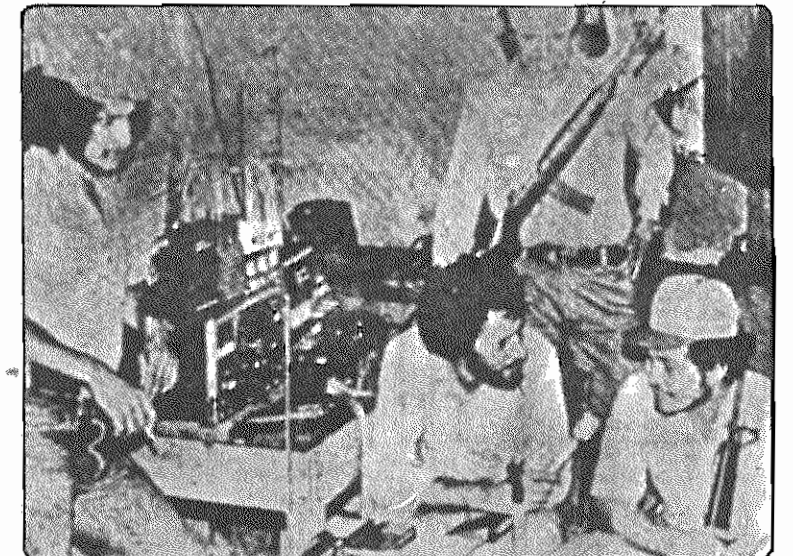
سیاسی پایه‌گذاری شد. چهار سازمان نامبرده در ۲۲ دی ۱۳۵۸ (۱۲ ژانویه ۱۹۸۰)، «کمیته انقلابی هماهنگی توده‌ها» را تشکیل دادند، که در ۲۹ فروردین ۱۳۵۹ (۱۸ آوریل ۱۹۸۰) با سازمان بورژوازی - رفرمیستی «جبهه دمکراتیک متحد شد» و «جبهه دمکراتیک انقلابی» نام یافت.

## اهداف «جبهه دمکراتیک انقلابی» چیست؟

- یکی از اسناد دفتر اطلاعات «جبهه دمکراتیک انقلابی» هدف‌های «جبهه» را چنین توصیف می‌کند:
- ۱- استقلال ملی
  - ۲- اصلاحات اجتماعی - اقتصادی بنیادی
  - ۳- عدم تعهد
  - ۴- شرکت زحمتکشان در روند نوسازی دمکراتیک
  - ۵- تأسیس نیروهای مسلح جدید
  - ۶- پشتیبانی از کارفرمایان ملی
  - ۷- آزادی دین

## نقش حزب کمونیست سالوادور چیست؟

حزب کمونیست سالوادور پنجاه سال پیش (در سال ۱۹۳۰) پایه‌گذاری شد. این حزب در سراسر حیات خویش «غیرقانونی» باقی مانده است. حزب کمونیست سالوادور نقش بس ارزنده‌ای در پیدایش جبهه متحد خلق داشته است. «حزب» با حفظ مواضع اصولی خود همواره اتحاد همه نیروهای خلقی و دمکراتیک را مد نظر داشته و در راه پیشبرد آن رزمیده است. حزب کمونیست سالوادور توانسته است همه اشکال مبارزه را به بهترین گونه‌ای با یکدیگر تلفیق بخشد. این حزب، از یکسو، از طریق «اتحادیه ملی دمکراتیک» پایه «قانونی» برای کار وسیع توده‌ای پدید آورد، از سوی دیگر، از راه «نیروهای مسلح آزادی بخش»، به «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی» پیوست.



مرکز رادیوی «جبهه آزادیبخش ملی فارابوندو مارتی»

## «جبهه دمکراتیک انقلابی» چگونه تشکیل شد؟

حسی از کودتای نظامی پائیز ۱۳۵۸ (اکتبر ۱۹۷۹)، پایبای نیروهای مقاومت مسلحانه، سازمان‌های توده‌ای دمکراتیک و انقلابی در سالوادور وجود داشت. مهم‌ترین آنها عبارت بود از: «اتحادیه ملی - دمکراتیک» رهبری حزب کمونیست سالوادور، «بلوک انقلابی خلق»، که به سال پیش (۱۹۷۵) ریپایه اتحاد سازمان‌های سدیگاسی، دهفای و دانشجویی پدید آمد، «جبهه مبارزه متحد خلق»، که سه سال پیش (۱۹۷۴) تشکیل شد و بویژه در شان کارگران صعی نمود داشت، و «جامعه خلقی ۲۸ فوریه»، که سه سال پیش (۱۹۷۷) پس از اتحاد - رمان‌های سدیگاسی و

## «کمیسیون سیاسی - دیپلماتیک» چه وظایفی به عهده دارد؟

این کمیسیون در ۲۲ دی ۱۳۵۹ (۱۲ ژانویه ۱۹۸۱) از سوی «جبهه دمکراتیک انقلابی» و «جبهه آزادی بخش ملی فارابوندو مارتی» در شهر مکزیکو تأسیس یافت. گفته صدر «جبهه دمکراتیک انقلابی»، «کمیسیون» وظیفه دارد که به تشکیل دولت اقدام ورزد. اعضای «کمیسیون سیاسی - دیپلماتیک» عبارتند از: دکتر گیلرو - مانوئل اونگو (جبهه دمکراتیک انقلابی)، روبین زامورا (جنبش سوسیال - مسیحی خلق)، خوزه رودریگز روتیز (نیروهای مسلح مقاومت ملی) فابو کاستیو (حزب انقلابی زحمتکشان آمریکای لاتین)،



اگوستین فارابوندو مارتی

ساریو آگینادا (حزب کمونیست سالوادور) و آنا گوادلوپه مارتینز (ارتش انقلابی خلق). از دیگر وظایف «کمیسیون سیاسی - دیپلماتیک» می‌توان کوشش دیپلماتیک برای جلوگیری از دخالت مسلحانه‌ها را نام برد.

## در رهبری ارتش چه می‌گذرد؟

ارتش، به عنوان ابزار حاکمیت الیگارش، از امتیازات فوق العاده بهره‌مند می‌شود. «کانون افسران ارشد» وظیفه تأمین این حاکمیت و امتیازات را عهده‌دار است. در رهبری ارتش، مدتها میان جناح راستگرایان شبه فاشیست و جناح اصلاح طلبان رقابت شدید وجود داشت. در دولت دوازدهم، سرهنگ گوتیرز و گارسیا (وزیر دفاع) نمایندگان جناح نخستین بودند. رهبر جناح اصلاح طلبان سرهنگ ماخانو، رئیس «نظامیان جوان» بود، که در سرنگونی ژنرال دیکاتور، رومرو، نقش مهمی داشت. وی برای آنکه سرهنگ گوتیرز را از پشتیبانی از رومرو باز دارد، وی را در کابینه خود شرکت داد. اما در حدود سه ماه پیش «بازها» از ماخانو سلب قدرت کردند و بدین ترتیب از قدرت جناح او بس کاستند.

## «فارابوندو مارتی» که بود؟

اگوستین فارابوندو مارتی، ۸۷ سال پیش (۱۸۹۳) در تئوتیهکه دیده به جهان گشود. وی، پس از پایان دبستان و دبیرستان، در «دانشگاه ملی» به تحصیل پرداخت. فارابوندو مارتی بخاطر فعالیت‌های سیاسی مورد پیگرد قرار گرفت و در سال ۱۳۹۹ (۱۹۲۰) به دستور رئیس جمهور و به اتهام «شورش» از کشور تبعید شد.

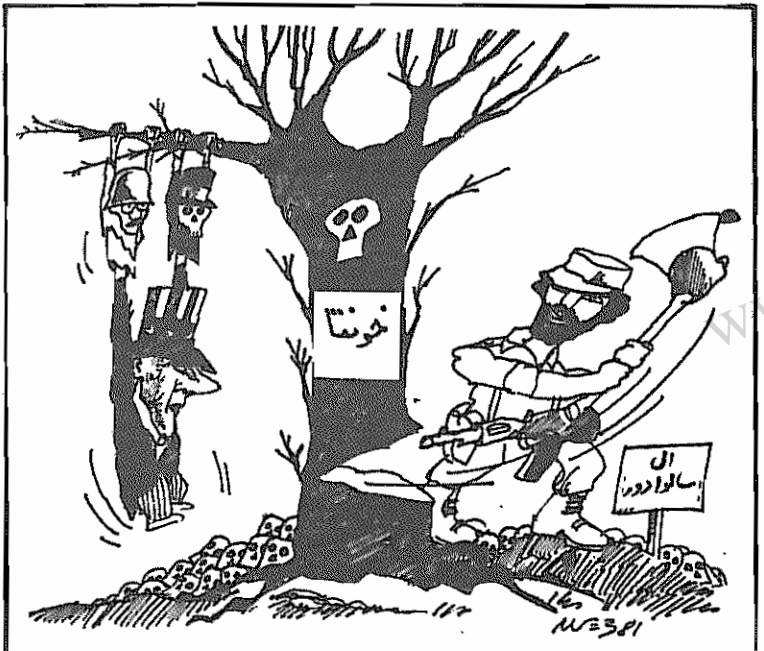
وی آنگاه به عنوان گروهی در ارتش مکزیک به خدمت پرداخت و در سال ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) به سالوادور بازگشت و به تأسیس سندیکا های انقلابی دست زد. مارتی یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست سالوادور در سال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰) بود.

فارابوندو مارتی میهن دوستی عمیقاً انترناسیونالیست بود. او وزیر - فرمان ژنرال آئوگوستو سزار ساندینو، قهرمان حماسه آفرین نیکاراگوئه، در سپاه انقلابی خلق نیکاراگوئه (تأسیس: ۱۳۰۶ = ۱۹۲۷) علیه مداخله ایالات متحده آمریکا جنگید. ساندینو، مارتی را بخاطر دلآوری‌هایش به درجه سرهنگی مفتخر ساخت.

در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲)، در آستانه سرستازخیز دهقانان در سالوادور، فارابوندو مارتی به میهن خود بازگشت و به صفوف آنان پیوست. نظامیان سالوادور درست پیش از آغاز قیام، مارتی و برخی دیگر از هم‌زمان او را ربودند و در تاریخ ۱۲ بهمن (۱ فوریه ۱۹۳۲) در گورستان مرکزی سان - سالوادور تیرباران کردند.

## برخی دانستنیها درباره سالوادور

نام رسمی: «ریپوبلیکا د سالوادور» (جمهوری سالوادور). تاریخ استقلال: ۲۴ شهریور ۱۳۰۰ (برابر با ۱۵ سپتامبر ۱۸۲۱). این کشور پیش از آن مستعمره اسپانیا بود. مساحت: ۲۱۰۴۱ کیلومتر مربع جمعیت: ۴/۷ میلیون نفر (۱۳۵۹)؛ ۴۲/۶ درصد سکنه در شهرها زندگی می‌کند. پایتخت: سان سالوادور (۸۰۰ هزار نفر). دیگر شهرهای عمده: سانتانا (۱۸۰ هزار نفر)، سان میگل (۱۰۸ هزار - نفر)، مخیگانوس (۵۵ هزار نفر). زبان: اسپانیولی. برخی شاخص‌های اجتماعی، بیسوادی: ۴۳ درصد شماره افراد به نسبت یک پزشک: ۲۵۹۲ انتظار عمر: ۵۶ سال شماره ماشین سواری برای هر هزار شهروند: ۱۱ شماره تلویزیون برای هر هزار شهروند: ۳۳ وضع اقتصادی - اجتماعی: کشور کشاورزی - صنعتی سرمایه‌داری و عقب افتاده تنها محصولات عمده: قهوه و پنبه شماره زحمتکشان: ۱/۲۸۷ میلیون نفر (۴۷/۲ درصد در کشاورزی، ۱۰ درصد در صنایع تبدیلی) فرآورد هانا ویژه اجتماعی سرانه: ۶۰۰ دلار تقسیم زمین: ۱/۵ درصد اهالی ۴۹/۴ درصد اراضی کشاورزی را در اختیار دارند. مهم‌ترین فرآورده‌های صادراتی: قهوه (۵۲ درصد صادرات)، پنبه (۱۱/۹ درصد صادرات)، فرآورده های صنایع تبدیلی (۱۱ درصد صادرات).



## «خوزه ناپلیون دوارته» کیست؟

دوارته در سال‌های شصت «حزب دمکرات مسیحی» را بنیان نهاد. وی هشت سال پیش (۱۹۷۲) با برنامه اصلاحات اجتماعی خود در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد. اما نظامیان او را مجبور کردند که کشور را ترک گوید. دوارته پس از کودتای پائیز ۱۳۵۸ (اکتبر ۱۹۷۹) از تبعید ونزوئلا به میهن بازگشت. هنگامی که اعضای غیرنظامی «خونتا» (از جمله اونگو، صدر کنونی «جبهه دمکراتیک انقلابی» و سلف مقتول او، آلوارس کوردوبا) استعفا کردند، او و اعضای حزب او به کمک «خونتا» شتافتند و به روز ارتجاع افزودند. پس از استعفا دادا هیرسی از «خونتا» در دهه‌ری حزب دمکرات مسیحی انشعب شد و اکثریت اعضای حزب به «جبهه دمکراتیک انقلابی» پیوستند. دوارته ۵۴ ساله در «خونتا» ماند و مقام ریاست جمهوری را از نظامیان «پاداش» گرفت. دوارته اکنون بیش از عروسی در دست نظامیان نیست.

## «دکتر گیلرو مانوئل اونگو» کیست؟

پس از آنکه هم‌رهبران «جبهه دمکراتیک انقلابی»، از جمله نریکه - آلوارس کوردوبا، صدر «جبهه» در روز

۶ آذر ۱۳۵۹ (۲۷ نوامبر ۱۹۸۰) از سوی راستگرایان افراطی بقتل رسیدند، گیلرو مانوئل اونگو در ۱۳ دی ۱۳۵۹ (۳ ژانویه ۱۹۸۱) به ریاست «جبهه دمکراتیک انقلابی» برگزیده شد. دکتر اونگو دبیرکل «جنبش ملی - انقلابی» است که حزبی سوسیال دمکرات، ولی در مقایسه با احزاب مشابه در اروپای غربی بسیار مترقی است. وی تحصیلات خود را در «اونیورسیداد سنترو آمریکا» به پایان رسانید. این دانشگاه اکنون در سان سالوادور به یکی از کانون‌های عمده جنبش مقاومت تبدیل شده است. دکتر اونگوس از کودتای نظامی علیه ژنرال دیکاتور رومرو به اتفاق آلوارز کوردوبا، در «خونتا» عضویت داشت، اما در زمستان سال پیش (ژانویه ۱۹۸۰) استعفا کرد و به جنبش مقاومت پیوست.

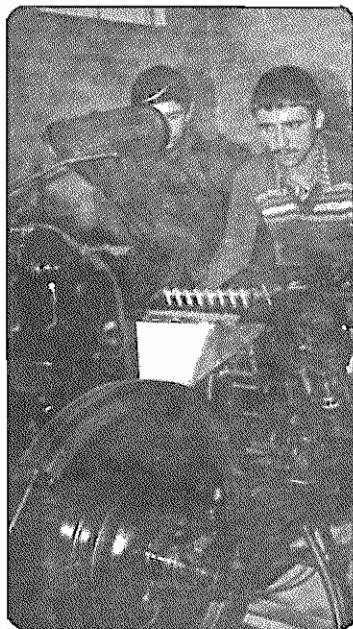
## «اوردن» کیست؟

«اوردن» بزرگترین سازمان شبه نظامی تروریستی در سالوادور است. این سازمان مسئولیت قتل هزاران میهن دوست را به عهده دارد. «اوردن» زیر سرپرستی مستقیم رئیس جمهوری عمل می‌کند و افراد آنرا «داوطلبان ارتش»، «گارد ملی»، پلیس، کارآگاهی، پلیس سیاسی، سازمان‌های امنیت کشوری و لشگری، دزدانی و زرادار می تشکیل می‌دهد.

کارگران چاپخانه های زنجان

مابه پیروزی بر امریکامی اندیشیم

در شهر زنجان ۵ چاپخانه بزرگ و کوچک وجود دارد، که به کارهای مختلف، از چاپ کتاب گرفته تا سفارش ادارات، مشغول هستند. میزان سرمایه کارگاه ها متفاوت است. برای مثال چاپخانه "اقتصاد" چهارمیلیون ریال سرمایه دارد و سرمایه چاپخانه "ستاره" حدود دو میلیون ریال است.



مشکلات را به خاطر پیروزی تپائی انقلاب تحمل می کنیم

تعداد کارگران ثابت هر یک از چاپخانه ها حدود ۲۵ نفر است، که در قسمت های مختلف کار می کنند. در ۲ کارگاه از کارگاه های زنجان، تنها ماشین ملخی وجود دارد و در ۳ کارگاه دیگر، علاوه بر ماشین های ملخی کوچک ماشین بزرگ ژاپنی و افست نیز موجود است.

در چاپخانه ها محیط کار، به علت پخش ذرات سرب در فضای کارگاه، آلوده می شود و لازم است که برای رعایت بهداشت و حفظ سلامت کارگران کارگاه ها به تهویه مجهز شوند. البته این مقررات در چاپخانه ها رعایت نمی شود و در نتیجه کارگران مبتلا به انواع ناراحتی های چشمی، تنفسی، اعصاب، سردرد و واریس می شوند.

کارروزانه کارگران ۸ ساعت (۴۵) ساعت در هفته) است، ولی کارگران به دلیل کمی دستمزد، مجبور هستند اضافه کاری کنند. قوانین کار در مورد بیمه، بهداشت محیط کار، حق مسکن و خواربار شامل حال آنها نمی شود و دستمزدها بسیار پایین است.

یکی از مشکلات اساسی کارگران چاپخانه های شهر زنجان، نداشتن یک سندیکای واقعی است. کارگران برای بهبود وضع زندگی شان خواست های صنفی و اجتماعی دارند که، برای تحقق بخشیدن به این خواست ها نیازمند برخورداری از حق قانونی تشکیل انجمن های صنفی خود هستند. مشکل کارگران در سندیکا، سازمانی که قادر به دفاع از انقلاب و موجب اتحاد کارگران باشد، گامی است در جهت برآوردن خواست های قانونی و به حق کارگران.

باتنی چند از کارگران در مورد جنگ و شرایط کار آنها صحبت می کنیم. یکی از کارگران بنام علی رستمی، که قبلا کارگزار ساختمان بود، در باره جنگ تحمیلی می گوید: "صدام به تحریک آمریکا به ایران تجاوز کرده است، اگر به وجود من احتیاج باشد، تا کمال میل حاضرم به

مشکل شوند، تا هم بتوانند منافع صنفی و اجتماعی خود را تامین کنند و هم متحد و یکپارچه به پاسداری دستاوردهای انقلاب بپردازند." وی در مورد توطئه های امپریالیسم آمریکا می گوید:

"امپریالیسم و ارتجاع بین المللی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بر آن هستند که با تدارک و اجرای توطئه های گوناگون، انقلاب ایران را درهم بشکنند و جمهوری اسلامی ایران را نابود کنند. ولی کشورهای دوست نیز از انقلاب و جمهوری اسلامی پشتیبانی می کنند و آماده هرگونه کمک و یاری به ما هستند." بایکی دیگر از کارگران به گفتگو می نشینیم. او حدود ۱۹ سال دارد. فعلا ترک تحصیل کرده است و مدت ۳ سال است در چاپخانه کار می کند. او در مورد تدوین قانون جدید کار می گوید:

"قانون کار باید به وضع کارگران رسیدگی کند و به سود کارگران باشد. وزارت کار دولت باید از کارگران کاملاً حمایت کند. تدوین و اجرای قانون انقلابی کار را از جمله این اقدامات است." با کارگر دیگری بنام اباصلت رفیعی گفتگو می کنیم. وی تا کلاس سوم راهنمایی درس خوانده است و سپس به علت مشکلات مالی، مجبور به ترک تحصیل و کار در قالی بافی ها و چاپخانه شده است. او درباره مشکلات ناشی از دشواری های پس از انقلاب و جنگ تحمیلی رژیم صدام می گوید:

"گرانی و دیگر مشکلات را ما تحمل می کنیم. در زمانی که پاسداران و سربازان در جبهه می شنوند، ما چگونه می توانیم به این چیزها فکر کنیم؟ ما به پیروزی بر آمریکا فکر می کنیم."

جبهه جنگ بروم، ما برای پیروزی انقلاب هرگونه مشکلی را تحمل می کنیم." درباره محترمان و سرمایه داران بزرگ نیز می گوید: "آنان برای فلج کردن اقتصاد مملکت و انقلاب عمل می کنند. دولت باید با آنها مقابله کند." درباره سندیکایی می گوید: "اگر کارگران همگام و در سندیکا متشکل شوند، بهتر می توانند به انقلاب خدمت کنند."

- کارگران باید در سندیکاهای متشکل شوند، تا هم بتوانند منافع صنفی و اجتماعی خود را تامین کنند و هم متحد و یکپارچه به پاسداری از دستاوردهای انقلاب بپردازند.
- قانون کار جدید باید حقوق کارگران را از هر لحاظ تامین کند.

اباصلت، در کلاس های آموزش نظامی بسیج، که در مسجد محله تشکیل می شود، شرکت کرده است. وظیفه مسئولین است که با تدوین و به اجرا درآوردن قانون جدید کار و رفع نقائص و کمبودها، مشکلات کارگران را حل کنند و در راه تامین زندگی بهتر برای آنها گام بردارند.

درباره تدوین قانون کار نیز معتقد است: "قانون کار باید حقوق کارگران را از هر لحاظ تامین کند و از مستکبران بگیرد و به مستضعفان بدهد." با کارگر دیگری صحبت می کنیم. درباره سندیکایی می گوید: "کارگران باید در سندیکاهای

کارگران راه آهن میان:

پیگیر وقایع در راه دفاع از انقلاب و حفظ دستاوردهای آن

بیش از ۲ سال از پیروزی انقلاب شکره مندمان می گذرد، ۲ سال پراز فراز و نشیب. در این مدت امپریالیسم آمریکا، چون پلنگ تیرخورد های، یک آن از دشمنی با کشور ما غافل نبود. پشت سر هم توطئه چید، تا شاید انقلابیون را به شکست بکشاند و در این راه هنوز هم از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. زحمتکشان ایران و در راس آن طبقه کارگر درختی کردن این توطئه ها نقش قاطع خویش را بار دیگر عیان ساختند. آنان نشان دادند که به هیچ وجه حاضر نیستند پیروزی انقلابی را که متعلق به آنهاست، از دست بدهند، آنان ثابت کردند که همچنان که در موقع انقلاب با زوری اصلی آن بودند، در مقابل توطئه های رنگارنگ امپریالیسم آمریکانیز در صف مقدم جبهه هستند.

کارگران راه آهن نیز، چون دیگر کارگران ایران، در پی سال ها حکومت "آریامهری"، جز فقر، بدبختی نابسامانی و در بدری چیزی دیگر عایدشان نشد و بدین سبب دوش بدوش سایر کارگران بارزیم گذشته جنگیدند و امروز هم نقش عظیم خویش را جهت حفظ دستاوردهای انقلاب همچنان ایفا می کنند.

عوضعلی فتحی، یکی از این کارگران است که به همراه کارگر دیگری در کنار "قیزکوپری سی" میانسه به شغل راهداری مشغول است. یکی روزها و دیگری شبها به کار نگهبانی می پردازند. عوضعلی کارگری است که ۲۴ سال سابقه کار دارد و می گوید:

"مادر زمان طاغوت با انواع مشکلات مواجه بودیم، که مهم ترین آنها کمی دستمزد بود. مثلاً من خودم با ۶۰۰ تومان حقوق ماهانه مجبور بودم خرج ۷۰۰ سرتااله را بدهم. ولی پس از انقلاب حقوقم به ۲۸۴۴ تومان رسیده است. در قسمت ما ۲۵ کارگر کار می کنند، که همگی وضعی مشابه وضع من داشتند. گذشته از آن، پس از انقلاب استخدام رسمی شدیم و توانستیم از بعضی از قوانین کارگری استفاده کنیم. البته این راهم باید بگوییم که نابسامانی در وضعیت پس از انقلاب هم مشاهده می شود، مثلاً کفش و لباس زمستانی و غیره هنوز هم به مانداده اند، ولی ما امیدواریم که اینها هم رفع شود. وی در ادامه حرف هایش در

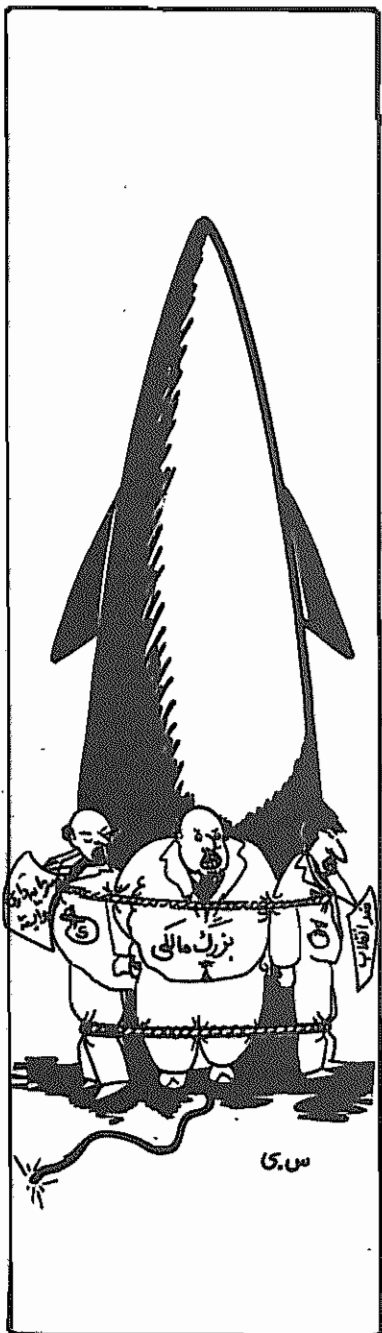
باره سندیکایی می گوید: "در زمان طاغوت سندیکایی تشکیل داده بودیم که بهم زدند و گفتند که به سندیکا احتیاج نیست، هر قسمتی نماینده انتخاب کند، تا ما به وسیله آنها با شما ارتباط برقرار کرده، مشکلاتتان را حل کنیم. ما هم نمایندگان انتخاب کردیم و مشکلاتمان را به آنها گفتیم، تا آنها با مقامات به صحبت بپردازند. ولی وقتی آنها با نمایندگانمان مواجه شدند، به آنها گفتند که: آقا احتیاجی به نماینده نیست. هر وقت در کارتان مشکلی دیدیم خودمان حل خواهیم کرد. و بدین ترتیب آنها را روانه کردند و از آن پس تا حال سندیکای نداریم."

از وی درباره تجاوزه رژیم صدام به ایران می پرسیم. می گوید:

"به نظر من آمریکا اول شروع کرده توطئه چینی، ما جزای طیس را بوجود آورد، ولی چون دیدکاری از پیش نبود، به حیل دیگری متوسل شد و این بار عراق را به سراغ ما فرستاد و در این راه دوستان نزدیکش چون اسرائیل، مصر، پاکستان، عربستان و غیره به او کمک کرده و می کنند."

وی همچنین درباره وظیفه کارگران در این موقعیت این است که بیش از پیش، با جدیت هر چه تمامتر کار کنند، حتی اگر شده در کارخانه ها اضافه کاری کنند، تا ضمن در هم شکستن محاصره اقتصادی آمریکا، با تولید زیاد تر در خدمت انقلاب و جبهه باشند.

او در پایان از مردم حواست که "با صرفه جویی انقلابی ثابت کنند که همانطور که آمریکا نتوانست در ایران کاری بکند، عراق هم نمی تواند کاری از پیش ببرد."



در کارخانه های ذوب مس زنجان چه میگذرد؟



در جهاد مقدس کار، تا یزاتو در آوردن امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا به پیش!

اولین کارخانه ذوب مس زنجان بیش از ۲۰ سال پیش، با یک دستگاه ذوب مس و ورق سازی شروع به کار کرد. بعدها که صنعت مسگری در این شهر توسعه زیادی پیدا کرد، به تعداد این کارخانه ها نیز افزوده شد، بطوری که امروز در حدود ۷ کارخانه در مناطق غرب مشغول بکارند، که تعدادی از آنها دارای ۲ یا ۳ دستگاه هستند. تولید این کارخانه ها ورق مس است، که آنرا از ذوب کردن سنگ مس و خالص کردن آن بدست می آورند.

در این کارخانه ها بیش از ۶۰ کارگر در شرایط دشوار کار مشغول به تولید هستند. بیشتر کارگاه های این کارخانه ها غیر بهداشتی و دود گرفته است و هوای آلوده به انواع دودهای ناراحت کننده، که از داخل کوره ها وارد فضای کاری می شود، سلامت کارگران را در معرض تهدید داخلی قرار می دهد. گرمای بیش از حد کوره ها نیز خود خطری است جدی برای سلامت کارگران.

در بیشتر کارخانه ها کارگران هیچ گونه تشکیلی، چون سندیکا و یا شورا ندارند و از برخی قوانین کار، از جمله بیمه نیز برخوردار نیستند. تا کنون هم هیچگونه اقدامی در این مورد صورت نگرفته است. عباس، یکی از کارگران، می گوید:

"ما از بعضی قوانین کار برخوردار

نیستیم. صاحب کارخانه تا بطلان از همه ما رونوشت شناسنامه و غیره گرفته، ولی به اداره بیمه نبرده است. وقتی هم که اعتراض می کنیم، می گویند فردا تعطیل است و به کارخانه نیاید و ما را به اخراج تهدید می کند. کارمان هم خطرناک است. اگر دستم یک بار زیر ماشین برود، دیگر از کار می افتیم و یک خانواده شش نفری بدون سرپرست می ماند، چون نان آورد دیگری ندارند." بعد از انقلاب کارگران این کار-

"ما مواد اولیه را از بنگاه های تهیه می کنیم که آنها از خارج (کویت) وارد می کنند، و چون به میل خود قیمت ها را بالا می برند، ما مجبوریم آن را گران بخریم، در نتیجه تولید این کارخانه هم گران در می آید، و در همین ارتباط قیمت تولیدات مسی نیز گرانتر می شود. دولت می تواند با ملی کردن بازرگانی خارجی، واردات را خود در دست بگیرد، تا قیمت آن را کنترل کند، و به ما هم وام صنعتی جهت توسعه کارخانه بدهد، تا بتوانیم مقدار تولید را بالاتر ببریم."

کارگران صنایع ذوب مس از بسیج مستضعفان و دیگر نهاد های انقلابی می خواهند که در کارخانه ها به آنها آموزش نظامی بدهند، تا در مقابل هر نوع تجاوز امپریالیسم آمریکا آمادگی مقابله داشته باشند. آنها می گویند:

"امروز که جوانان ما در مرز در مقابل تجاوز نظامی صدام به مقابله برخاسته اند، وظیفه ماست که تا آنجا که می توانیم، تولیدمان را بیشتر کنیم و با کار بیشتر علیه محاصره اقتصادی مبارزه کنیم و نگذاریم که کشور احتیاج به محصولات خارجی پیدا کند. اکنون که انقلابمان مرحله حساسی را می گذراند، وظیفه دولت است که با اقدامات انقلابی، قدم های موثری برای حل مشکلات زحمتکشان بردارد، تا آنها با خطری آسوده در راه انقلاب و تولید زیاده تر گام بردارند."



# تابند «ج» اجرا نشود، بزرگ مالکان به توطئه و زور گوئی ادامه خواهند داد

## چگونه فتودال ها بال و پر گرفتند

روستاییان میهنمان، که سالها در زیر ظلم و ستم مالکان و اربابان وابسته به رژیم طاغوت کمرشان خم شده بود، بعد از انقلاب، با کمک و نظارت نهادهای انقلابی، برای کشت همه زمینها، اقدام به گرفتن اراضی بزرگ مالکان کردند. آن‌ها پیام امام خمینی، رهبر انقلاب، را مبنی بر تولید هرچه بیشتر محصول، با گوش جان شنیدند و شروع به کشت کردند.

در این اواخر، مالکان بزرگ به توسط ایادیشان و لیبرالها و روحانی نمایان، با استفاده از محاصره اقتصادی و وضع جنگی و دشواری کثونی و نیز توقف بند "ج"، دوباره به میدان آمده و شروع به غصب زمینهای دهقانان کرده‌اند. آن‌ها گاه از همکاری عناصر تابان و مشکوکی که توانسته‌اند در درون دستگاههای دولتی و نهادهای انقلابی رخنه کنند، برخوردار می‌شوند. عمال زمین داران بزرگ، علاوه بر آن که عده‌ای از جوانان دلیر و پرشور انقلابی عضو نهادهای انقلابی را کشته یا تهدید به قتل کرده‌اند، موجودیت و اثربخشی این نهادهای انقلابی و از جمله هیئت واگذاری زمین را مورد حمله قرار می‌دهند. آن‌ها می‌خواهند، با تضعیف این نهادها، آب رفته را به جوی برگردانند و دوباره همان روابط ظالمانه گذشته را حاکم کنند. چند نمونه‌ای که در زیر یادآوری می‌شود، با مثالهایی از روستاهای اطراف نوشهر، کرج، گرگان، بروجرد و فیروزآباد فارس، نشان می‌دهد که خطر بزرگ مالکان و عمال آن‌ها، خطری جدی است و باید بند "ج" هرچه زودتر اجرا و دست غارتگران کوتاه شود.

تحمیل بود، که کار به گروگان گیری کشید. دهقانان به نیروی اتحاد و همبستگی خود موفق شدند که نمایندگان خود را آزاد و دوباره ارباب را از ده بیرون کنند.

هیئت واگذاری زمین شهرستان نوشهر از همان آغاز کار با توطئه‌های رنگارنگ فتودالها روبرو شد. طبق معمول سردمداران این توطئه‌ها ساواکها، مالکان بزرگ، روحانی نمایان و لیبرالها هستند. از همان زمانی که هیئت واگذاری زمین نوشهر شروع به کار کرد، این گروه‌ها برای بی اعتبار کردن این نهاد انقلابی و اعضای صمیمی آن، از هیچ کاری فروگذار نکردند. اما این که فتودالها شدیداً این هیئت را تحت فشار گذاشته‌اند، فعالیت صادقانه اعضا این هیئت نمی‌گذارد که این توطئه‌ها به ثمر برسد. با این که بند "ج" موقتاً متوقف مانده و دست هیئت باز نیست، با این حال دهقانان امیدوارند که مجلس شورای اسلامی هر چه زودتر مسئله را به سود آن‌ها حل کند.

در روستای نارنج پین (حوالی نوشهر)، خانواده‌ای که درویش هستند و زمینهای زیادی در اختیار دارند، به تکاپو افتاده‌اند، تا این هیئت را بی اعتبار سازند. این زمینداران بزرگ، همگی در زمان رژیم گذشته، بطور فعال با ساواک همکاری داشتند. به گفته اهالی، پسر یکی از این مالکان بزرگ مامور گشت ساواک بوده و در گشتارهای فعالانه شرکت داشته است. یکی دیگر از اعضای این خانواده، که او هم سابقه‌اش بر همه روشن است، در زمان طاغوت رئیس فرهنگ بود و دزدی بسیار کرد. بزرگ مالک دیگر از همین خانواده، کسی است که شاهپور غلامرضای منقور را به خانه‌اش دعوت می‌کرده است. یکی دیگر از اعضای این خانواده در کودتای ۲۸ مرداد شرکت فعال داشته و از جماعت داران و چاقو کشان بوده است.

در شهر فیروزآباد فارس، به دنبال تظاهرات وسیعی که علیه بزرگ مالکی و توطئه‌های خوانین صورت

در کرج زمینی به مساحت ۳۵۰ هکتار توسط هیئت هفت نفری مصادره شد. خواست این هیئت، که صاحب این اراضی خود را معرفی کند، بدون جواب ماند. هیئت ۷ نفری هم این زمینها را به دهقانان واگذار کرد. بعد از چند روز که دهقانان شروع به شخم زدن زمینها کردند، سروکله مالک زورگو پیدا شد و، چون در درون دستگاههای دولتی نفوذ داشت، توانست دوباره زمینهای متعلق به دهقانان را غصب کند. تکلیف این اراضی هنوز معلوم نیست و این زورگویی دیگر قابل دوام نیست.

چندی پیش توسط روستاییان اطراف شهرستان گرگان و با همکاری جهاد سازندگی و سپاه پاسداران آن منطقه، اراضی یک بزرگ مالک مصادره و به دهقانان واگذار شد. اما او به کمک ایادی خود، که در دستگاههای دولتی نفوذ دارند، به سرزمینها بازگشت و آن‌ها را از دهقانان گرفت. او بسیار سعی می‌کند که میان دهقانان و نهادهای انقلابی از جمله سپاه پاسداران و جهاد سازندگی تفرقه بیندازد و مدعی است که فقط او می‌تواند زمینها را "بارور" کند. مالک می‌خواهد با عوام فریبی سرپوش بر روی اعمال ضد انقلابی خود بگذارد. اما دهقانان یقین دارند که در آینده نزدیک زمینهایی را که متعلق به خودشان است، پس خواهند گرفت. همان طور که از نهاد انقلابی هیئت واگذاری زمین و مقامات مسئول انتظار می‌رفت، آن‌ها جانب دهقانان را گرفتند.

در حدود ۶ ماه قبل، اهالی روستاهای واقع در ۴ کیلومتری غرب بروجرد، زمینهای ارباب را گرفتند و میان خود تقسیم کردند. بعد از چند روز ارباب، که فرار کرده بود، به کمک روحانی نمای ده به روستا بازگشت، و در نتیجه تشبثات او، ۲ نفر از نمایندگان دهقانان را دستگیر و در شهر زندانی کردند. این عمل باعث خشم روستاییان شد. بیداد مالک و روحانی نما به قدری آشکار و غیر قابل

گرفت، روستاییان همچنان هشیارانه خواستار قطع نفوذ خانها و فتودالها هستند. آن‌ها از مقامات مسئول می‌طلبند که به حساسیت وضع استان و خطر توطئه‌های خوانین توجه کنند و برای جلوگیری از ایجاد کانونهای تشنج و درگیری، هر چه زودتر قانون اصلاحات ارضی و خصوصاً بند "ج" این قانون را، به سرپرستی هیئت‌های واگذاری زمین، به اجرا گذارند. بدنیال اظهارات مقامات مسئول در دولت و در ستاد زمین و در مجلس شورای اسلامی، امید دهقانان فارس این است که مجلس، هر چه فوری تر، تکلیف مالکین بزرگ را روشن و دست آن‌ها را کوتاه کند.

عناصر مشکوک و توطئه گر در شهرستان داراب، حربه اساسی فتودالها برای مخالفت با جمهوری اسلامی ایران و قوانین مصوبه آن، برای ایجاد درگیری و تشنج در شهر و اعمال فشار به دولت هستند. آن‌ها مدتی است که برای جلوگیری از اجرای قانون اصلاحات ارضی تلاش می‌کنند. در مقابل، نهاد های انقلابی داراب و از جمله جهاد سازندگی و سپاه پاسداران، پشتیبان روستاییان و خواستار اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند و وظیفه خطیر خود را در دفاع از انقلاب با سربلندی، علیرغم مشکلات بسیار، به انجام می‌رسانند.

بزرگ مالکان منطقه ایده موجب قتل کشاورزی بنام جعفر از روستای کورب پرویز و کشاورز دیگری بنام علیمراد از روستای تل فالج سادات می‌شوند. ۴ نفر هم در این میان مجروح گردیدند. حادثه بدنیال دادن حکم کشت زمینها از طرف سپاه پاسداران به سادات حسینی-ها رخ داد. قاتلین توسط سپاه پاسداران و دیگر مأموران دستگیر شدند، ولی مرکز توطئه و تشنج، که بزرگ مالکان هستند، تا بند "ج" کاملاً اجرا نشود، از بین نمی‌رود. اینگونه کشتارها، که در نامه "مردم" قبلاً هم پیرامون آن توضیح

داده‌ایم، نتیجه توطئه بزرگ مالکان است. آنان شب و روز در فکر توطئه علیه انقلاب و دهقانان زحمتکش هستند. باید عاملان اصلی این توطئه‌ها را، که همان مالکان بزرگ هستند، شناسایی و دستگیر کرد و آن‌ها را به سزای اعمالشان رساند. ریشه فاسد بزرگ مالکی را فقط از طریق واگذاری و تقسیم زمینهای مالکان بزرگ میان دهقانان بی زمین و کم زمین می‌شود خشکاند.

در کازرون، زمینهایی که توسط هیئت ۷ نفری به دهقانان تهییدست و واگذار شده بود، به واسطه نفوذی که بزرگ مالکان در درون دستگاههای دولتی داشتند و نیز پشتیبانی امام جمعه کازرون از آن‌ها، بار دیگر به مالکان برگردانده شد.

دهقانان زحمتکش توانسته بودند، با کمک هیئت ۷ نفری، به یکی از خواستهای اساسی خود و یکی از اهدافهای مهم انقلاب دست یابند و روی زمینهای متعلق به خود کار کنند. اما مالکین بزرگ شروع به توطئه کردند و شکایتی تحت عنوان "تصرف عدوانی توسط دهقانان" به دادگاه دادند. مالکان بزرگ متأسفانه توانستند عمل قانونی و حقه دهقانان را "غیر شرعی" جلوه‌گر سازند و باز هم متأسفانه دادگاه، علیرغم خواست هیئت ۷ نفری و دهقانان و علیرغم وظیفه انقلابی خویش، بجای آنکه جانب دهقانان را بگیرد، حکم بسود بزرگ مالکان صادر کرد.

بزرگ مالکان طاغوتی سالها است که از طریق زور و تزویر اراضی دهقانان زحمتکش را تصرف کرده‌اند، اما حالا دم از "تصرف عدوانی توسط دهقانان" می‌زنند و روحانی شهر را به یاری می‌طلبند. باید هر چه سریع تر تعویق بند "ج" پایان یابد و قانون اصلاحات ارضی با اجرا درآید، تا به حیات ننگین بزرگ مالکی و زد و بند های آنان در ایران پایان داده شود.

ساواکیها، مالکان بزرگ، روحانی نمایان و لیبرالها شرایط دشوار کنونی را برای اجرای هدفهای پلید خود مناسب دیده‌اند و فعالیت ضد انقلابی خود را تشدید کرده‌اند. آن‌ها به خیال خام خود می‌خواهند نگذارند انقلاب به پیش رود. ولی بزرگ مالکی آخرین روزهای عمر منحوس خود را می‌گذرانند. روستاییان ماهشمارتر از آن هستند که بگذارند این نوکران و طرفداران شیطان بزرگ کاری از پیش ببرند. آن‌ها می‌دانند که بهترین وسیله برای جلوگیری از اعمال ننگین این عده، اتحاد آن‌ها و تحمل دشواریهای برخاسته از جنگ و سرکوب توطئه همین عناصر و فاش کردن دسایس و شایعه پراکنیهای بزرگ مالکان است.

از آنجا که کار بسیاری از بزرگ مالکان به توطئه و تحریک و آدم کشی و قانون شکنی کشیده، لازم است که مقامات مسئول این عده توطئه‌گر را شناسایی و دستگیر کنند و به سزای اعمال ضد انقلابی شان برسانند. در اینجا سرنوشت انقلاب مطرح است. سهل انگاری اصلاً جایز نیست.

خوشبختانه نهادهای انقلابی، به ویژه سپاه، جهاد و هیئت‌ها به رسالت بزرگ خود وفادارند و با هواداری از دهقانان و حق مسلم و قانونی آن‌ها، در تحکیم جبهه انقلاب می‌کوشند. اینک دیگر آشکار است که اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی واجب است، واگذاری زمین به روستاییان بی زمین، یعنی اجرای عدالت و دادن حق به حقدار، موجب می‌شود که دهقانان به انقلاب امیدوار شوند و در حمایت از آن، در تحکیم جمهوری اسلامی ایران، با تمام نیروی خود بکوشند و خود جلو توطئه‌های عناصر خود فروخته و مزدور بزرگ مالکان را بگیرند.

اجرای بند "ج"، زمین را زیر پای توطئه‌گران سست می‌کند، قدرت سازمان دادن تحریکات و تشنجات را از بزرگ مالکان می‌گیرد و شر این غارتگران خونریز و فاسد را از روستاها دور می‌کند.



## توطئه لیبرالها و دیگر عناصر مرتجع طرفدار فتودالها را محکوم می‌کنیم

دهقانان قوچ حصار و سلمبر طی نامه‌ای به حضور آیت الله منتظری، نگرانی خود را از توقف بند "ج" اعلام میکنند. عین متن نامه آنها را باهم می‌خوانیم:

بسمه تعالی حضور محترم آیت الله منتظری ماد دهقانان و دیگر اهالی دو روستای قوچ حصار و سلمبر پشتیبانی کامل خود را از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی اعلام میکنیم ما همچنین پشتیبانی کامل خود را از کلیه نهادهای انقلابی از جمله سپاه پاسداران، هیئت‌های هفت نفره و جهاد سازندگی و... اعلام کرده و سپاسگزاری کامل خود را از اقدامهای جهاد سازندگی در این دو روستا اعلام میکنیم. ما توطئه‌های لیبرالها و دیگر عناصر مرتجع طرفدار فتودالها و سرمایه داران را محکوم می‌کنیم و نگرانی خود را از توقف بند ج که مربوط به تقسیم زمینهای بزرگ مالکان است اعلام میکنیم، و از آن حضرت عالی استدعا داریم تا در جهت رفع موانعی که در سر راه این قانون قرار گرفته کوشا باشند. تا ستونهای محکم جمهوری اسلامی که همان حاکمیت مستضعفین است پایه گذاری شود.

درود بر رهبر عظیم الشان انقلاب امام خمینی

حرکات ضد انقلابی فتودالها، افزونی بخشدند. در این قطعه نامه، همچنین از تمام نهادهای انقلابی، که صداقت خود را در محل نشان داد هاند، به خصوص سپاه پاسداران انقلاب، پشتیبانی شده و اعمال گروهکهایی که جهت اجرای دسایس شیطان بزرگ صورت می‌گیرد، محکوم گردیده‌است.

**مردم دشت مغان و پارس آباد خواستار اجرای فوری بند «ج» شدند**

در مراسم بزرگداشت دومین سالگرد انقلاب:

بهشتی، خواستار اجرای مجدد و سریع بند "ج" اصلاحات ارضی اسلامیان هستیم. در قسمت دیگری از این قطعه نامه

اهالی پارس آباد و دشت مغان و کارکنان شرکت کشت و صنعت مغان در راهپیمایی بزرگداشت دومین سالگرد پیروزی انقلاب، با صدور قطعنامه‌ای خواستار اجرای هر چه سریعتر بند "ج" اصلاحات ارضی شدند. در این قطعه نامه از جمله آمده است:

"ما بر حسب رهنمودهای حضرات آیات عظام، منتظری، مشکینی و

# هیئت‌های هفت نفری! زودتر عمل کنید. بزرگ مالکی پایگاه امپریالیسم و ستون پنجم تجاوز کاران است. تکیه گاه دشمن را با واگذاری زمینها بد دهقانان زحمتکش نابود کنید!



### دگرگونی‌های اجتماعی نقش اساسی را در مبارزه با بیسوادی دارد

نمونه‌های زیر نشان می‌دهد که دگرگونی‌های اجتماعی نقش اساسی را در مبارزه علیه بیسوادی دارند:

در کوبا، بیست و یکسال پیش، ۳۰ درصد مردم بیسواد بودند، اما یک سال بعد، نخستین کشور سوسیالیستی آمریکا همچنین نخستین کشور آمریکای لاتین بود که در آن بیسوادی بکلی از میان رفته بود. کوبا امروزه کادرهای آموزشی خود را برای شرکت در نهضت سوادآموزی به کشورهای دیگر جهان، از جمله آنگولا و نیکاراگوئه گسیل می‌دارد.

در ویتنام نیز در مدتی، از نظر تاریخی پس‌گونا بیسوادی از بین رفت. در اتیوپی، اینک بیش از ۶ میلیون نفر، با پای سوادآموزی، به تحصیل مقدمات سیاست و حرفه مشغولند.

در موزامبیک، مرحله دوم مبارزه با بیسوادی، با شرکت ۳۰۰ هزار نفر، آغاز شده است.

یکی از نخستین اقدامات دولت انقلابی نیکاراگوئه مبارزه با بیسوادی بود. کشورهای سوسیالیستی، در زمینه سوادآموزی نیز، از همبستگی یکدیگر به کشورهای نوپا و انقلابی و جنبش‌های آزادی‌بخش ملی خودداری نمی‌کنند.

بهموجب آخرین گزارش‌های "یونسکو"، امروزه در جهان ۸۱۴ میلیون نفر، یعنی در حدود یک پنجم سکنه روی زمین، از نعمت خواندن و نوشتن بی‌بهره‌اند. شکی نیست که توصیه‌های کنفرانس جهانی وزیران آموزش و پرورش در باره ریشه‌کنی بیسوادی (۱۹۶۵) و "چهاردهمین کنفرانس عمومی یونسکو" (۱۹۶۶) در بسیاری از کشورهای بی‌نتیجه نبوده است. با این همه، تنها در سال‌های ۴۹-۱۳۳۹ شماره بیسوادان جهان به میزان ۸۲ میلیون نفر بالا رفت. بیسوادی بویژه در کشورهای آفریقا (۷۵ درصد)، آسیا (۵۰ درصد) و آمریکای لاتین (۲۵ درصد) رواج دارد. مهم‌ترین علت‌های بیسوادی را باید در میراث بهره‌رشدگی استعماری و نواستعماری، سرکوب اجتماعی و سیاسی و نبود زبان نوشتنی جستجو کرد.

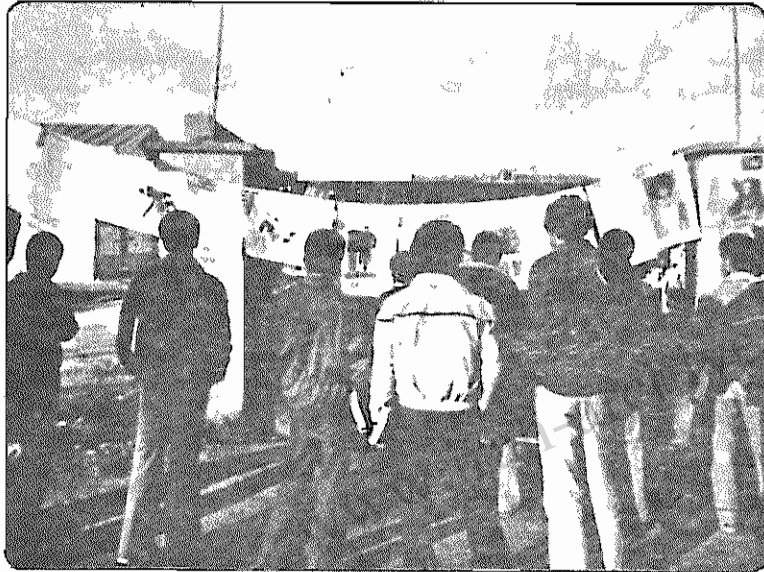
از سوی دیگر، در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی نیز، شماره بیسوادان بیش از آنست که انتظار می‌رود: از جمله در ایالات متحده آمریکا بیش از ۱/۵ میلیون و در بریتانیا بیش از یک میلیون، علت عمده بیسوادی در اینگونه کشورهای محدودیت‌های طبقاتی است.

### وقایع دوران انقلاب در سبزوار



از طرف اعضاء و هواداران حزب توده ایران در شهرستان سبزوار، نمایشگاه عکسی از وقایع دوران انقلاب، همزمان با دومین سالگرد انقلاب شکوهمند میهنمان، در این شهرستان برپا شد. این نمایشگاه، در مدت برپایی خود، با استقبال گرم مردم روبه‌رو شد.

### نمایشگاه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در رشت



از طرف اعضاء و هواداران سازمان جوانان توده ایران در رشت، نمایشگاه عکسی از توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در این شهرستان برپا شد. این نمایشگاه، که در تاریخ دوازدهم دی ماه سال جاری در دبیرستان "تور-بخش" رشت تشکیل شد، مورد استقبال دانش‌آموزان و مردم محل قرار گرفت.

### گسترش فعالیت ضدانقلاب در سیستان و بلوچستان

اخبار رسیده از سیستان و بلوچستان حکایت از گسترش فعالیت‌های مخرب عوامل ضدانقلاب و فئودال‌های این منطقه دارد.

در این ارتباط باید به بازگشت یکی از سران ضدانقلاب در منطقه به نام محمدحسن درخشان، که با درجه سرهنگی در ارتش عمان خدمت می‌کند، اشاره کرد. وی که چندی پیش، بدنبال شهادت ۱۱ تن از پاسداران انقلاب، به پاکستان گریخت، اکنون مدت ۲ هفته است که از طریق مسقط به «راسک»، در نزدیکی چابهار آمده و به فعالیت پرداخته است.

همچنین گریه‌بخش سعیدی، فئودال فراری و یکی از سرداران بلوچستان، که در دوران رژیم شاه ملعون صاحب ده «گرم‌بیده» (نزدیکی راسک) و مالک زمینهای زیادی بود و فعلا در پاکستان تحت حمایت رژیم ضیاع‌الحق به توطئه‌گری علیه انقلاب مشغول است، چندی پیش به این ده آمد و ادعای سهم (!) خود را کرد. لازم به تذکر است که ده «گرم‌بیده» پس از انقلاب، توسط جهاد سازندگی استان در اختیار مردم قرار گرفت و اینک توسط مردم زیر کشت رفته است. مردم این روستا، در برابر «گریه‌بخش سعیدی» و عمالش، که خواستار بازگشت زمین‌های ده بودند، قاطعانه ایستادند و ویران آنان را در این جهت خنثی کردند. بدنبال همین واقعه، این فرد ضدانقلابی به پاکستان گریخت، تا آنجا با امکانات بیشتر و بهتر علیه انقلاب توطئه کند.

ماتوجه مقامات مسئول استان و بخصوص سپاه پاسداران انقلاب را به این اخبار، که حکایت از گسترش فعالیت عوامل ضدانقلاب دارد، جلب می‌کنیم و انتظار داریم که با برخورد قاطع و انقلابی با این عوامل مزدور امپریالیسم آمریکا و رژیم ارتجاعی پاکستان، هرگونه زمینه فعالیت آنان خنثی شود.

### حقوق کارکنان دفاتر اسناد رسمی را پرداخت کنید

بوسیله مسئولین (کانون سردفتران، سازمان ثبت) اعلام جرم می‌نمائیم. با امضای حدود ۵۰ تن از کارکنان، ما از مقامات مسئول کشور و شخص آیت‌الله موسوی اردبیلی خواستاریم که با رسیدگی به خواست کارکنان زحمتکش دفاتر ثبت اسناد، مانع از تارخ‌سایتهی آنان شوند و از سودجویی عده‌ای که به نام دکانون سردفتران، به ضرر اکثریت کارکنان این دفاتر، تروتهای هنگفت انداخته‌اند، جلوگیری کنند.

شما بعنوان حافظ و ناظر اجرای قوانین اعلام می‌کنیم که ماده واحده مصوبه ۳۳/۳۰۹ شورای انقلاب درباره کمک‌به کارکنان دفاتر اسناد رسمی (که از اقسام مستشفف جامعه هستند) تاکنون عملی نشده. از شما که صیانت از قوانین این جمهوری را بعهده دارید، مصرأ می‌خواهیم که نگذارید قوانین مصوبه، ملعبه دست‌گستاخانه عده‌ای از سردفتران اسناد رسمی گردیده و با اعمال فشار و تشبیهات اجرای قوانین جمهوری اسلامی را مسکوت نموده و یا بعهده تسویق اندازند و نسبت به عدم اجرای قانون

گروهی از کارکنان دفاتر اسناد رسمی، در تاریخ ۱۵ بهمن ۵۹، طی نامه‌ای به آیت‌الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور، خواستار پرداخت وجوهی شدند، که طبق ماده واحده شورای انقلاب بایستی دریافت کنند. این نامه، که امضای حدود ۵۰ تن از کارکنان را دارد، به شرح زیر است: «حضرت آیت‌الله موسوی اردبیلی، دادستان محترم کل کشور ما گروهی از کارکنان دفاتر اسناد رسمی تهران، در آستانه آغاز سومین سال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به

### چند پرسشی و ...

بقیه از صفحه ۳

### منظور از «چهارده فامیل» السالوادور چیست؟

"چهارده فامیل"، الیکارشی السالوادور را تشکیل می‌دهند. در این میان، شماره آنها به ۲۰۰ افزایش یافته است. "چهارده فامیل" نزدیک به ۶۰ درصد زمین‌های زیر کشت، ترابری همگانی، صنعت، بانکها، شرکت‌های بیمه‌بازگانی السالوادور را در اختیار خود دارند. میان "چهارده فامیل" السالوادور و سرمایه بین‌المللی، بویژه انحصارات ایالات متحده آمریکا پیوندهای بسیار نزدیک موجود است. حاکمیت "چهارده فامیل" بر پایه نیروی ارتش، سازمان‌های شبه نظامی و دستگاه بیچیده امنیتی استوار است. سرمایه‌گذاری‌های مستقیم ایالات

متحده در السالوادور بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار است. السالوادور در استراتژی آمریکا همواره مقامی مهم داشته است. بویژه پس از انقلاب نیکاراگوئه، السالوادور در نقشه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم ایالات متحده نقشی فزاینده یافته است. یکسال ونیم پیش، وایرون ویکی معاون وزارت خارجه آمریکا، و مسئول آمریکای لاتین در کناره آن کشور، "فوریت ابتکار" ایالات متحده آمریکا را برای "اعمال تغییرات بی‌درد" در آمریکای لاتین یادآور شد. بگفته او: "نگهداشت وضع موجود در گواتمالا، السالوادور و هندوراس مسخره است. مسئله بر سر این نیست که در باره احتمال تغییرات به بحث بپردازیم، بلکه باید مواظب بود که چنین تغییراتی محصول قهر انقلابی نباشد." این حکم امپریالیستی هنوز نیز توجیه "ایدئولوژیک" مداخلات وسیع ایالات متحده آمریکا را در امور السالوادور و مقابله با رستاخیز ملی این کشور تشکیل می‌دهد.



منظره‌ای از حکومت نظامی دست‌نشانده امپریالیسم آمریکا در السالوادور

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

### کمبود مصنوعی ساعت در بازار

ولی با جستجوی بیشتر در بازار و گفتگو با تنی چند از فروشندگان ساعت، این نتیجه عاید میشود که چون دولت قصد دارد ساعت‌های مارکدار را خود از خارج وارد کند و کنترل قیمت آنها را در دست بگیرد، از هم اکنون سرمایه‌داران بزرگ ساعت‌ها را از بازار جمع کرده‌اند، تا در یک موقعیت مناسب، ساعت‌های مارکدار و معروف را با نرخ گرانتری عرضه کنند. ما از مسئولین امر انتظار داریم که با کنترل قیمت ساعت‌ها و باقیماندهی مناسب و رسمی، مانع سودجویی سرمایه‌داران بزرگ شوند.

سرمایه‌داران بزرگ و واسطه‌های فروش ساعت، ساعت‌های مارکدار مانند «سیتیزن»، «سیکس»، «گالو» و غیره را جمع‌آوری کرده‌اند، تا با ایجاد کمبود مصنوعی بتوانند بعدها با نرخ گرانتری آنها را در دسترس مشتری قرار دهند. با گشتی در مغازه‌های ساعت‌فروشی و بازار بخوبی میتوان متوجه این کمبود شد. البته دلیل فروشندگان برای این کمبود چنین است که: «چون موقع جنگ است و کالا وارد نمیشود، به همین علت مدتی است که ساعت‌های ذکر شده، وارد نمیشود.»

تقویم سال نو ۱۳۶۰ منتشر شد



### چه کسی و برای...

که در دنیای سرمایه داری، آنرا با نام پسر طمطراق «شناخت» پسکولوژی افکار عمومی و غیره نام گذاری میکنند.

«جوسازی» بمقیاس جامعه مستلزم داشتن امکانات وسیع تبلیغاتی و سازمانی است، که در دنیای سرمایه داری منحصر در دست انحصارات خبری مطبوعاتی است. در جهان سرمایه داری تنها این انحصارات بزرگ هستند که از چنین امکانی برخوردارند. بنابراین «جوسازی» مانند یک پدیده اجتماعی، شیوه ایست که طبقات ممتاز در جامعه سرمایه داری از آن برای فریب توده های مردم بمنظور ادامه غارت دسترنج آنان، استفاده میکنند.

ما همه «جوسازی» های دوران آریامهری را برای نشان دادن «پیوند شاه و مردم» بخاطر داریم. یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب ۲۲ بهمن آن بود که رسانه های گروهی و مطبوعات را از انحصار دربار و سرمایه داران وابسته و ملاکان بزرگ، که پایگاه اجتماعی رژیم شاهنشاهی بودند، بدر آورد. لیبرالها که لنگ لنگان بدنیاالانقلاب آمده اند، ولی سهم بزرگی از قدرت را گرفتند، امیدوار بودند که بتوانند پس از انقلاب، رادیو تلویزیون و مطبوعات را به خدمت بگیرند و همان «جوسازی» را بسود خود ادامه دهند. در آغاز تاحدود زیادی موفق هم شدند، ولی تعمیق انقلاب، امکانات زیادی را از دست آنها گرفت. از تریبون مجلس که بگذریم، اینک لیبرالها یکی دو روزنامه براه انداخته اند و آنرا به میدان «جوسازی» برضد مخالفان خود، یعنی دشمنان امپریالیسم و نظام منحط سرمایه داری تبدیل کرده اند. اما «جو» جامعه روز بروز برخلاف میل آنان، در جهت محکوم ساختن سازش با امپریالیسم و حفظ سرمایه داری تغییر میکند، و هر قدر این تغییر محسوس تر میشود، فریاد آنان بلندتر، خشن تر و منکر تر میشود و حملاتشان بر نیروها، سازمانها و احزابی که در تغییر این «جو» ذیمدخل بوده اند، شدیدتر می گردد. حملات آنان به حزب توده ایران نیز از اینجاسرچشمه میگیرد. لیبرالها ما را متهم می کنند که با «جوسازی» دوستان نادان، آنها، یعنی مبارزان مسلمان را براه مخالفت با امپریالیسم، سرمایه داری و زمینداری بزرگ کشانده ایم. ولی خشم آنان نسبت به مبارزان مسلمان قبل از هر چیز از آنجا سرچشمه میگیرد که سرمایه داران لیبرال بسا شرکت در انقلاب ایران امیدوار بودند (و هنوز هم بکلی ناامید نشده اند) که بتوانند روحانیت و یا لاقط بخشی از آن را بنام «اسلام» بدفاع از منافع طبقاتی خود جلب کنند. «دوستی» شان را نیز هنوز برای همین منظور حفظ کرده اند. اما بخش بزرگی از روحانیان، که رهبری امام خمینی را پذیرفته بودند، بدنبال آنان نرفتند و راه مردمی خویش را بدون هیچ «القائی» از خارج ادامه دادند. این توده های زحمتکش بودند که افکار و آرزوهای خودشان را به ایندسته از روحانیون «القائه» کردند و حساب خود را از «اسلام» لیبرالی جدا ساختند. ما نیز بسود خود در دفاع از انقلاب

ضد امپریالیستی و مردمی ایران، از استقلال و آزادی و ترقی ایران، از منافع زحمتکشان کوشیده ایم. اینست دلیل اصلی آنکه لیبرالها با تمام نیروی خود برضد ما «جوسازی» می کنند، جوسازی بمعنای واقعی کلمه، یعنی تلاش در راه تاثیر در افکار عمومی از طریق دروغ پردازی، عوام فریبی، حتی افترا و فحاشی.

صفحات روزنامه های لیبرالی را ورق بزنید: یکجا پیدا نمی کنید که نام حزب ما را بدون افزودن یک کلمه رکیک فبرده باشند، دروغی نیست که برای مانسازند، دسیسه ای نیست که نچینند و مقصود از همه اینها، «جوسازی» علیه حزب توده ایران برای بی اعتبار کردن حرفهای است که ما بسود زحمتکشان و به زیان استثمارگران و استثمارگران میزنیم. خود این ادعای آنان که ما «جوسازی» میکنیم و «دوستان نادان» در دام این «جوسازی» می افتند، یک «جوسازی» ناجوانمردانه است. آنهم برضد کسانی نیست. آنها امیدوارند با «جوسازی» در این باره که مبارزان مسلمان در دام «جوسازی» حزب توده ایران افتاده اند، آنها را به سکوت و تسلیم در برابر خواست های خود وادار سازند. تاکنیک آنان بسیار روشن است: یا مبارزان مسلمان واقعا تسلیم خواستهای آنها میشوند، که چه بهتر، و اگر نشدند و در دفاع از منافع زحمتکشان پافشاری کردند (سیاستی که حزب توده ایران نیز پیگیرانه دنبال میکند) لیبرالها حرف خود را با «دلائل محکمتر» تکرار میکنند که مبارزان مسلمان در دام «جوسازی» حزب ما افتاده اند.

یرخی از مبارزان مسلمان، برای فرار از این اتهام، «راه حل» خاصی یافته اند و آن فحاشی به حزب توده ایران است. ما مایلیم به این دسته از مبارزان یادآوری کنیم که، این شیوه هیچ دردی را دوا نمیکند، زیرا اگر آنها صدگور هم به حزب توده ایران فحش بدهند، لیکن پیگیرانه از منافع زحمتکشان دفاع کنند، لیبرالها این «گناه» آنان را نمی بخشند. تنها نتیجه ای که از این «راه حل» بدست می آید، تفرقه افکنی بین نیروهای است که بر حسب خصلت طبقاتی خودشان، باید در جبهه واحد علیه لیبرالها و درحقیقت علیه حفظ سرمایه داری و بازگشت سلطه امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا بر زمین مبارزه کنند.

در صحنه سیاسی کشور ما اکنون دو خط مشخص وجود دارد: خطی که لیبرالها دنبال می کنند و این خط مستقیم و یا «گام به گام» به حفظ نظام سرمایه داری (که در شرایط کشور ما چیزی جز سرمایه داری وابسته نمیتواند باشد) منتهی میشود. خطی که توده های مردم بر رهبری امام خمینی در پیش گرفته اند و هدف آن «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، یعنی به پیروزی قطعی و نهائی رساندن انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی است. نمیتوان در آن واحد در هر دو خط گام برداشت. نمیتوان این دو خط را بنام «اسلام» در یک خط ادغام کرد. اسلام لیبرالی آمریکائی با اسلام خمینی جوش

«دوستان نادان» شان را سر عقل بیاورند و آنها را به قبول «اسلام» طرفدار سرمایه داری متقاعد سازند. واقعا هم برخی از این «دوستان نادان» سر عقل آمده اند و اکنون زیر پرچم لیبرالها سینه میزنند و هر قدر انقلاب عمیق تر شود، تعداد «دوستان» لیبرالها از میان «نادانان» (بمعنای واقعی کلمه) بیشتر خواهد شد. متأسفانه نادانان و ناآگاهانی که فریب عوام فریبی ها و «جوسازی» های لیبرالها را میخورند، کم نیستند. اصولا هیچ نیروی مرتجع و ضد انقلابی نیست که بدون جلب بخشی از عناصر ناآگاه بتواند یک حکومت انقلابی را برکنار کند. نظامات کهنه را برقرار سازد. لیبرالها برای جلب ارتش سیاسی خود جدا دست بکار شده اند و قدم بقدم بردایره فعالیت خود می افزایند. «جوسازی» برضد مبارزان مسلمان و تخطئه تمام اقدامات انقلابی نهادهای انقلابی، به بهانه آنکه «القائه» آید و تلوژی» شده اند و در دام توده ایها افتاده اند، ابزار کار آنهاست.

راه مبارزه با «جوسازی» لیبرالها، فحش دادن به حزب توده ایران نیست. باید با برخورد انقلابی دهان «جوسازان» لیبرال را بست، یعنی آنچه را که بسود انقلاب است، بی پروا گفت و روی اجرای آن پافشاری کرد، صرف نظر از اینکه کدام سازمان سیاسی یا بگذار لیبرالها تا قیام قیامت فریاد بزنند که این «همان حرف توده ایهاست». اگر نیروهای انقلابی از این تهمت لیبرالها بترسند و حرفهای درست را بدلیل اینکه توده ایها قبلا گفته اند و یا اکنون میگویند و یا با آن موافقت، نزنند و بویژه در عمل اجرا نکنند، خواه ناخواه در دام «جوسازی» لیبرالها افتاده اند.

یکی از مهمترین نشانه های انقلابی بودن آنست که انسان از تهمت دشمنان انقلاب ترسد و از مواضع اصولی خود پیگیرانه دفاع کند. حزب ما نه تنها در دوران حکومت محمدرضا، بلکه در همین دوران پس از انقلاب نیز در معرض انواع تهمتها و افتراها و ناسزاها و فشارها از هر سو قرار داشته است. ما توثیبه های آمریکائی و چپ نمایان ما را به «دنیاه روی» از «آخونده» متهم کرده اند، «ملیون» رهبران حزب ما را «آیت الله» خوانده اند، لیبرالها ما را وابسته به «ابر قدرت روس» و قسریون ما را «کافر و ملحد» نامیده اند و... هیچ حزبی، هیچ سازمان سیاسی، در طول تاریخ ایران، زیر اینهمه فشار و تعقیب و ناسزا و تهمت و افترا قرار نگرفته است.

اما ما به راه خود ادامه داده ایم، از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی پشتیبانی کرده ایم، از دوستی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای سوسیالیستی دوست انقلاب ایران در برابر حملات پیروان خط برژینسکی دفاع کرده ایم، با استواری در موضع دفاع از جهان بینی علمی و انقلابی خود در برابر حملات قسریون ایستاده ایم. و این خط اصولی و انقلابی ما پیوسته دوستان و دشمنان بیشتری برای ما در دو سوی مرز فاصل انقلاب و ضد انقلاب فراهم کرده است. این نیز قانونمند و طبیعی است. اگر ما از قس آنکه ما را وابسته به «ابر قدرت

### لئونید برژنف...

شده بود، شرکت کردند و نظرات و پیشنهادهای تکمیلی خود را در جهت حک و اصلاح این سند مطرح ساختند، که بشک محتوای غنی تری به آن بخشیده است. لئونید برژنف گفت: «وظیفه عمده ای که در طرح برنامه پنجساله گنجانده شده است، بالا بردن سطح رفاه و آسایش مردم شوروی است. وظیفه این برنامه، که یازدهمین برنامه پنجساله اتحاد شوروی خواهد بود، درآمد ملی باید ۴۹ الی ۴۸ درصد و سطح تولیدات کشاورزی ۱۴ الی ۱۵ درصد افزایش یابد. در این برنامه اهمیت خاصی به رشد صنایع سنگین و در درجه اول به رشد صنایع مولد سوخت و انرژی و تسریع آهنگ رشد اقتصاد داده شده است. در برنامه پنجساله یازدهم و دوازدهم بهره برداری از منابع نفت و گاز سیبری غربی و انتقال آن به بخش اروپائی کشور، مهمترین وظایف این برنامه ها در زمینه تامین انرژی خواهد بود.

در برنامه پنجساله یازدهم و بقیه سالهای دهه ۸۰، اعتلای سطح رفاه و آسایش مردم در تمام زمینه ها: مصرف، مسکن، فرهنگ، استراحت، شرایط کار و زندگی ادامه خواهد یافت. میزان حداقل حقوق بازنستگی کارگران و کارمندان و اعضای شرکتهای تعاونی روستائی بالا خواهد رفت و همچنین اقدامات دیگری در زمینه بهبود باز بیشتر تامین اجتماعی مردم انجام خواهد گرفت. کمک دولت به خانواده های کثیرالاولاد افزایش خواهد یافت. اعتلای سطح زندگی زحمتکشان، علاوه بر افزایش درآمد پولی آنان، از طریق بهبود تجهیزات مردم از حیث ارزاق و همچنین کالاهای صنعتی مصرفی انجام میگردد. برای تامین این مقصود، برنامه مخصوصی تنظیم شده است که طبق آن تولید مسواک کشاورزی بیزران قابل توجهی افزایش خواهد یافت و میان بخش کشاورزی و بخشهای نگاهداری محصولات، صنایع تبدیلی و شبکه فروش، ارتباط نزدیکی بوجود خواهد آمد. هدف از این اقدامات آنست که بتوان در کوتاهترین مدت مسئله تامین اهالی از حیث انواع مواد غذایی را حل کرد.

درباره سیاست اصولی و انقلابی اتحاد شوروی پرهیز می کردیم، ناگزیر راه را برای پیشرفت خط برژینسکی هموار می ساختیم، اگر ما از ترس اینکه حزب ما را حزب «آیت الله» ها بخوانند، از پشتیبانی از خط امام خمینی سر باز میزدیم، ناگزیر در صف ضد انقلابیون رنجبری و ییکازی و کومله و... قرار میگرفتیم و... در نتیجه به انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی، به جمهوری اسلامی ایران و به منافع زحمتکشان لطمه میزدیم. ما این کارها را نکردیم و نخواهیم کرد.

ما توصیه میکنیم که مبارزان مسلمان نیز از تهمت لیبرالها، که میگویند آنان در «دام توده ایها» افتاده اند، ترسند و برآ خود در خدمت به خلق و انقلاب ادامه دهند و به حزب ما نیز، برای تیره خویش، در برابر کسانی که آنها را «دوستان نادان»

شرکتهای تعاونی و موسسات دولتی کشاورزی همچنان بعنوان اساس کشاورزی سوسیالیستی باقی میمانند، ولی این بدان معنا نیست که میتوان امکانات اقتصاد خصوصی جنبی روستائی را نادیده گرفت. تجربه نشان میدهد که این اقتصاد میتواند در تولید شیر و گوشت و برخی از سایر محصولات غذایی نقش داشته باشد. باغها، جالیها، طیور و دامهای متعلق به زحمتکشان جزئی از ثروت عمومی کشورند.

لئونید برژنف گفت: «کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تصویب نامه ای در خصوص اقدامات دیگری که برای بسط و توسعه اقتصادهای خصوصی جنبی لازم است، صادر کرد. هدف از این تصویب نامه ایجاد شرایط مادی و معنوی ضروری برای ذینفع کردن شهروندان در اداره اقتصادهای خصوصی جنبی و در درجه اول دام پروری و مرغداری است. اقتصادهای جنبی متعلق به موسسات صنعتی نیز، طبق این تصویب نامه، از کمک همه جانبه برخوردار میشوند.

لئونید برژنف افزود: «جامعه شوروی، جامعه کار است. حزب کمونیست و دولت شوروی کوشیده و میکوشد تا کار انسانی نه تنها بر بهره، بلکه همچنین بر مضمون، جالب و خلاق باشد و کسار طاقت فرسا و سنگین و کسار جسمانی و بدون تخصص از بین برده شود. در حال حاضر میلیونها نفر از مردم ما به کاری یا این خصلت مشغولند. حل مسئله کار بدینصورت تنها اهمیت اقتصادی ندارد، بلکه همچنین یک مسئله جدی اجتماعی و بمعنای بر طرف کردن موانع عمده از سر راه تبدیل کار به مهمترین نیاز حیاتی انسانهاست.»

لئونید برژنف سپس به بحث درباره دموکراسی سوسیالیستی و بسط روز افزون آن از طریق شوراهای پرداخت و گفت: «نقش شوراهای مردمی در اقتصاد و نظارت بر کار موسسات و سازمانهای واقع در قلمرو فعالیت آنان یش از پیش افزایش می یابد و کمیته مرکزی حزب فعالیت شوراهای از هر حیث در همین جهت تأیید میکند.»

لئونید برژنف گفت: «تکمیل قوانین شوروی بر پایه قانون اساسی جدید اثر مفید زیادی داشته و امکان داده است که بتوان جوانب مختلف مناسبات اجتماعی را بر پایه قوانین جدید دقیق تر تنظیم کرد. تکمیل قوانین همچنان ادامه خواهد یافت و سه سمت عمده، یعنی رهبری اقتصاد ملی، تأمین حقوق قانونی شهروندان و سازمانهای اجتماعی مصرح در قانون اساسی و تدوین مجموعه قوانین مدنی اتحاد شوروی را در بر خواهد گرفت.»

لئونید برژنف افزود: «ماهیت و مضمون واقعی دموکراسی شوروی در ذینفع بودن افراد در کار مشترک و بسط و توسعه تولید، اشتراک نظر و عقیده و همچنین انتقاد و انتقاد از خود با اصولیت و صداقت و ارتقاء سطح فعالیت اجتماعی و سیاسی تمام شهروندان خلاصه میشوند.»

لئونید برژنف سپس به بحث درباره شماره اعضای حزب و ترکیب

«در فاصله بین دو کنگره ۱۸ میلیون بر تعداد اعضای حزب افزوده شده است، اکنون ۱۷ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در حزب کمونیست عضویت دارند، که از این عده ۴۳ درصد کارگر، ۱۴٫۸ درصد روستائیان عضو روشنفکران قتی، علمی، هنری و کارکنان فرهنگ و بهداشتی و سازمانهای کشوری و لشکری هستند.»

لئونید برژنف در گزارش خود، به یک مسئله مهم دیگر، یعنی لزوم توسعه خلاق تئوری، رکنیسم - لنینسم اشاره کرد و گفت:

«اگر حزب مارکسیست - لنینست به درک تمام پدیده ها و نتیجه گیری جامع از رویدادها و تکامل خلاق تئوری مارکسیسم - لنینسم توجه لازم را ننماید، نمیتواند نقش خود را انجام دهد. ما همواره این وظیفه پس ممبر را در نظر داشته ایم و برای انجام آن در این مدت کوشیده ایم. گنجینه تئوریک حزب پس از کنگره بیست و پنجم، با یک سلسله از اینگونه نتیجه گیریها غنی گردید. که در میان آنها باید در درجه اول از تئوری سوسیالیسم تکامل یافته نام برد. حزب بر پایه این تئوری، استراتژی و تاکتیک خود را برای یک مرحله طولانی تاریخی تعیین کرد.»

لئونید برژنف سپس مسئله لزوم تدوین برنامه تازه ای برای حزب را مطرح ساخت و اظهار داشت: «هر چند در این برنامه، که در حال حاضر در دست اجرا داریم، قانوننهایی پیشرفت اجتماعی روی هر چه به درستی انعکاس یافته، اما بیست سال از زمان تصویب آن میگذرد. در برنامه جدید باید تغییراتی که در ساختار اقتصادی ماروی داده است و وظایف درازمدتی که در پیش داریم، انعکاس یابد، بدیهی است که ما در تدوین برنامه باید از رهنمود لنین پروری کنیم که برنامه فقط شامل اصول اساسی است و پیشگویی جزئیات در برنامه بیفایده و بیجاست. بدین ترتیب ظاهرا لازم است در برنامه حزب موادی تغییر یابد و یا تکمیل شود. اگر این پیشنهاد مورد تصویب نمایندگان کنگره قرار گیرد، میتوان به کمیته مرکزی ماموریت داد که متن جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی را آماده کند.»

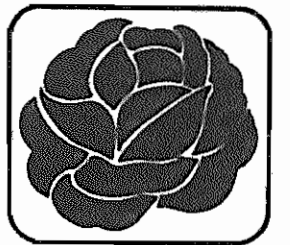
لئونید برژنف در پایان گزارش خود گفت: «قرن بیستم نسبت به قرن پیش تحولات بزرگتری به همراه آورده است و هیچ کشوری مانند اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، زادگاه انقلاب اکبر و نخستین کشور سوسیالیسم پیروز، در این تحولات سهم نبوده است.»

لئونید برژنف افزود: «مردم شوروی با اطمینان به آینده خود می تگرند، ولی این اطمینان غرورنازیزوردگان سرنوست نیست. ملت ما میداند که آنچه دارد، ثمره کار و کوشش خود اوست. خوش بینی ما از ایمان ما به نیروی مردمی و مردم خویش سرچشمه میگیرد. خوش بینی ما از ایمان ما به حزب خودمان سرچشمه میگیرد، زیرا میدانیم که حزب یگانه راه درست را نشان میدهد.»

### هر چه زودتر از نابودی مدارك و اسناد جمع - آوری شده ساواک شیراز جلوگیری کنید!

هر چه زودتر از نابودی مدارك و اسناد جمع آوری شده ساواک شیراز، که اینک پریشتم بام کمیته امداد این شهرستان در معرض خطر است، باید جلوگیری کرد. طبق اطلاعات رسیده، مدارك و اسناد جمع آوری شده ساواک شهرستان شیراز، اینک پریشتم بام کمیته امداد (کاخ پذیرائی - استانداری سابق) در معرض برف و باران و نابودی است. ما از مقامات مسئول مصرانه می طلبیم که هر چه زودتر از نابودی این مدارك مهم جلوگیری کنند، که از بین رفتن آنها، به نفع ضد انقلاب و ساواکیها است.

## تقویم سال نو



۱۳۶۰

منتشر شد

### نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 464  
10 March 1981

Price:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرسی زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران



### پیگرد مخالفان جنگ در آمریکا

شرکت کنندگان در جنبش مخالفت با جنگ مورد تعقیب مقامات دولتی آمریکا قرار میگیرند. در دادگاه شهر «نورس تاون» در ایالت پنسیلوانیا، هشت تن از شرکت کنندگان در این جنبش به علت مخالفت با سیاست نظامیگری و مسابقه تسلیحاتی دولت آمریکا مجرم شناخته شدند و در انتظار صدور حکم دادگاه مبنی بر محکومیت خود، در زندان بسر میبرند.

### کشف توطئه «سیا» در دومینیکن

طبق گزارش خبرگزاری «پرسالاین» مقامات رسمی دولت جدید دومینیکن اعلام کردند که یک توطئه ضد دولتی، که از جانب سازمان جاسوسی آمریکا علیه سازمان سازمان شده است، کشف شده است. در اطلاعیه نخست وزیر دومینیکن خاطر نشان شده است که پاتریک جان، نخست وزیر سابق و فردریک ویلسون فرمانده نیروهای مسلح، عاملین اصلی این توطئه، که دستگیر شده اند، قصد کودتا علیه دولت قانونی کشور را داشته اند. این دو نفر در یکی از جزایر مجاور دومینیکن با ماموران سیا همکاری ماموران سیا طرح ریزی کرده بودند و برنامه کودتا را با همکاری ماموران سیا اجرا کرده بودند. در این اطلاعیه آمده است که اعتبارات مالی و کمکهای تسلیحاتی توطئه گران از جانب آمریکا تأمین شده است.

### شمار بیکاران در انگلستان به ۲ میلیون

و پانصد هزار نفر رسیده است

طبق آمار رسمی، در انگلستان ۲ میلیون و پانصد هزار نفر از اهالی فعال کشور بیکار هستند. دولت محافظه کار انگلستان، بجای اقدام در جهت بهبود این وضع، تصمیم گرفته است که طبق آمار رسمی، در انگلستان ۲ میلیون و پانصد هزار نفر از اهالی فعال کشور بیکار هستند. نتیجه این تقسیم ۲۵ هزار نفر از کارگران کار خود از دست خواهند داد و به اردوی عظیم بیکاران کشور خواهند پیوست.

### کشاندن کارگران ...

بقیه از صفحه ۱  
بعنوان بخشی از دستمزد پرداخت نشده خود هستند، در همانحال مشکلات مالی کارخانه ها و دولت، که ناشی از خرابکاریهای ضد انقلاب و جنگ تحمیلی امپریالیسم آمریکا به کشور ماست، بر کسی پوشیده نیست.

در مجموع و با در نظر گرفتن اینکه زمینه های عدم رضایت ناشی از گرانی، تورم و نظایر آن یکی از علل مهم امتصابات کارگران است، نمی توان پوشیده داشت که، تحریکات ضد انقلاب علت اصلی در بروز این درگیریهاست. دست مرئی و نامرئی ضد انقلاب محیط های کارگری را به سمت اعتصاب، تحصن و درگیری سوق می دهد. این آن واقعت اصلی است، که کارگران و زحمتکشان باید به آن توجه کنند و نسبت به حوادثی نظیر اعتصاب و تحصن در شرایط کنونی، همانطور که ما قبلاً نیز یادآور شده ایم، برخورد انقلابی و با مسئولیت داشته باشند. اینک می گوئیم دست ضد انقلاب برای ایجاد اعتصاب و تحصن و درگیری در واحدهای بزرگ صنعتی بکار افتاده، تنها یک ادعا نیست.

در جریان تظاهرات دانشگاه در روز ۱۴ اسفند ۵۹، اعلامیه ای بنام «کارگران اعتصابی گفتن ملی» انتشار یافت، که در آن گفته میشد که گویا سپاه پاسداران با گاز اشک آور به کارگران حمله ور شده است. چنانکه کارگران خود می دانند، این دروغی بیش نیست و هدف آن لکه دار ساختن دامن یکی از پاکترین ارگانهای انقلابی است، که از میان انقلاب و خود زحمتکشان برخاسته است.

همچنین در ایجاد اعتصاب و درگیری در کارخانه بنز خاور دست افراد مشکوک دیده می شود، که تا بحال چندین نوبت در ایجاد تشنج در محیط کار دخالت داشته اند. شایعات مربوط به اخراج ۳۰۰ نفر از کارکنان شرکت واحد نیز از همین قبیل است. هدف آنست که مجدداً این شرکت را به اعتصاب بکشانند.

تنها در تهران نیست که ضد انقلاب ایجاد اعتصاب و تحصن را در واحدهای بزرگ صنعتی نشان رفته و به شیوه «گروگان گیری» که شیوه آفریسیستی مردودی است و گروه های مائوئیستی - آمریکائی به آن دامن میزنند، توسل می جوید. در شیراز نیز ایجاد اعتصاب و درگیری در واحدهای بزرگی نظیر پالایشگاه و کود شیمیایی و خط لوله مورد توجه نیروهای ضد انقلاب و مخالف وابسته به امپریالیسم آمریکا است.

پیداست که در چنین شرایطی، کارگران و زحمتکشان ایران نه فقط دست به اعتصاب و تحصن نمی زنند، و نه فقط شیوه های مطرود «گروگان گیری» و ایجاد درگیری با ارگانهای انقلابی و دولت انقلاب را مردود می شمارند، بلکه تحمل انقلابی در برابر مشکلات ناشی از گرانی و تورم را بر خود فرض می دانند. برداشت همه کارگران و زحمتکشان ایران در شرایط کنونی

### خالد بکتاش، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه:

## «رقابت دو ابر قدرت» - ساخت زرادخانه مائوئیستی است

نظامی تلقی شود. تنها کسانی که فاقد ینش طبقاتی و شناخت واقع بینانه از جهان هستند، میتوانند چنین تصویری داشته باشند. داشتن چنین تصویری، چه آگاهانه و چه از روی عدم آگاهی، بزیان انقلابهای خلقی و جنبش های رهائی بخش است. واقعت دوران ما عبارت از آنست که اکنون مبارزه ای سرنوشت ساز میان خلقها و همه نیروهای آزادیخواه، که در راه رهائی و استقلال خود مبارزه میکنند، با نیروهای ارتجاع و امپریالیسم جهانی، که آنها را سرکوب و استقلال و آزادی آنها را سلب میکنند، در عرصه جهانی در گرفته است. در راس نیروهای نخست، اتحاد شوروی و در راس نیروهای دوم، امپریالیسم آمریکا قرار گرفته است. تمام خلقهایی که در راه استقلال و آزادی خود علیه امپریالیسم بیکار کرده اند، این واقعت را دریافته اند، زیرا همه آنها از پشتیبانها و کمکهای مادی و معنوی اتحاد شوروی برخوردار بوده اند.

خالد بکتاش، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه، که در راس هیئت نمایندگی این حزب در بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت کرد، طی سخنرانی خود در کنفرانس اظهار داشت: «دستگاه تبلیغاتی پکن تلاش دارد که در توجیه سیاست نظامیگری و مسابقه تسلیحاتی امپریالیسم آمریکا و سیاست توسعه طلبانه خود، مبارزه میان دو جهان سوسیالیسم و سرمایه داری را «رقابت» میان «دو ابر قدرت» آمریکا و شوروی وانمود کند. متأسفانه در کشورهای هم که از بندهای نواستعماری و وابستگی به امپریالیسم رهائی یافته اند، از جانب مخالف ارتجاعی این نظریه تبلیغ میشود».

خالد بکتاش گفت: «این اشتباه بزرگ و حتی جنایت است که تمام مبارزات طبقاتی و رهائی بخش خلقها در جهان، «رقابت» میان «دو ابر قدرت» و یا دو گروه بندی

### پر تاب هشت ماهواره

بهمدار زمین

در اتحاد شوروی، طبق برنامه های علمی و پژوهشی کیهانی، هشت ماهواره بوسیله یک موشک از نوع «کاسموس» به فضا پرتاب شدند و در مدار زمین قرار گرفتند. این ماهواره ها در گردش خود در مدار زمین یک رشته پژوهشهای کیهانی انجام خواهند داد. از سال ۱۹۶۲ تاکنون متجاوز از ۱۲۰۰ ماهواره از این نوع به منظور پژوهشهای کیهانی به مدار زمین فرستاده شده اند.

### یورش پلیس پاکستان

به نیروهای دمکراتیک کشور

طبق گزارش خبرگزاری رویتر در پاکستان، یورش جدید ماموران پلیس کشور علیه مخالفان رژیم دیکتاتوری نظامی حاکم بر کشور آغاز گردیده و عده ای بازداشت شده اند. بانو نصرت بوتو، همسر ذوالفقار علی بوتو، نخست وزیر سابق پاکستان، از جمله بازداشت شدگان است. بانو نصرت بوتو رهبر حزب خلق است، که از جانب دولت غیرقانونی اعلام شده است. علاوه بر بانو نصرت بوتو، ۵۰ تن دیگر از اعضای این حزب و مظفر علی خان دبیر کل شورای طرفداران صلح پاکستان، بازداشت شده اند. در شهرهای لاهور، راولپنڈی و اسلام آباد، ماموران پلیس بسیاری از منازل اهالی شهر را مورد بازرسی قرار داده اند.

### حمله نیروهای عراقی در جبهه ایلام دفع شد

متواری شدند. رومندگان نیروی زمینی در جبهه سوسنگرد مواضع دشمن را زیر آتش شدید توپخانه قراز دادند که در نتیجه یک تانک و یک تانکر سوخت نیروهای عراقی منهدم و به آتش کشیده شد و حدود ۴۰ نفر از افراد ارتش صدام کشته و زخمی شدند. دلوران ما همچنین در جبهه کرخه موفق شدند دو دستگاه نفربری، دو کامیون و بیش از ده سنگر دشمن را با خدمه آنها از بین ببرند. در جبهه خرمشهر جانبازان نیروی دریایی به آتش دشمن پاسخ دادند و مواضع دشمن در قسمت اشغالی این شهر را زیر آتش سلاحهای خود قرار دادند، که در نتیجه تعدادی از افراد ارتش صدام کشته و زخمی شدند.

بقیه از صفحه ۱  
از نیروهای عراقی کشته شدند و در نفر از افراد ارتش عراق به اسارت درآمدند. همچنین در این روز نیروهای خودی در جبهه های آبادان به آتش نیروهای عراقی پاسخ دادند و با اجرای آتش توپخانه و خمپاره انداز توانستند یک تانک، چهار خودرو، یک لودر،

خودداری از هرگونه اعتصاب، تحصن و درگیری در محیط های کار است.

مشکلات کار و زندگی کارگران دروضع فعلی می تواند و باید از راه مذاکره و شیوه های مسالمت طرح و حل گردد. امید است که کارگران واحدهائی که به اعتصاب کشانده شده اند، با همین برداشت به سر کارهای خود بازگردند. کارگران با ابراز هوشیاری طبقاتی، حیل ضد انقلاب را، که می خواهد با استفاده از بسط دامنه امتصابات توطئه جدید امپریالیسم جهانی، بسر کردگی آمریکا، را علیه انقلاب ایران به اجرا بگذارد، عقیم می گذارند.

طبیعی است که دولت انقلاب نیز نمی تواند فارغ از برداشت اصولی نسبت به عدم رضایت در بین کارگران و زحمتکشان باشد. متأسفانه دست دولت در افزایش دستمزدها و پرداخت پاداش و سود سالیانه نیکارگران مانند سالهای قبل، بسته است. اقدام به برخی محدودیتها در این زمینه برای قاطبه کارگران و زحمتکشان قابل درک است. اما دست دولت در جلوگیری از گرانی، پائین آوردن قیمتها و مهار کردن تورم بسته نیست. از راه تسریع در سهمیه بندی کالاهای اساسی، توزیع اجناس ضروری و میوه، با قیمت های ثابت، در محیط های کار و نظایر این اقدامات، هم اکنون می توان قدمهای جدی برداشت.

با تمرکز ذخایر کالائی در دست دولت، حتی میوه های نگاهداری شده در سردخانه ها، بسط توزیع دولتی، تعاونی و خرده فروشی، طرد تاجر بزرگ وابسته، عمده فروشان و محتکران از مبادله، خلاصه کلام، ملی کردن بازرگانی خارجی و نظارت موثر بر بازرگانی داخلی می توان و باید تسهیلات جدی در معیشت کارگران، زحمتکشان و همه مردم فراهم آورد.

کارگران و زحمتکشان بوظیفه و مسئولیت انقلابی خود عمل می کنند و از توسل به حربه های اعتصاب، تحصن و درگیری در محیط های کار خودداری و با تمام نیرو جلوگیری می کنند. دولت نیز باید بوظیفه خود عمل کند و امر مهم مبارزه موثر و قاطع با گرانی و احتکار را جدی بگیرد.

نیروهای ژاندارمری در عملیات روز پانزدهم اسفند ماه در یکی از جبهه های ایلام، ضمن دفع حمله و پیشروی نیروهای عراقی، ۵ نفر از نیروهای دشمن را کشتند و عده ای از آنها را نیز مجروح کردند. در این عملیات رزمندگان ژاندارمری موفق شدند چهارده سنگر اجتماعی و انفرادی، دو سنگر تیربار دشمن را با خدمه مربوطه را منهدم کنند. ضمناً در عملیات روز ۱۵ اسفند ماه در تمامی جبهه های نبرد چهارتن از دلوران نیروی زمینی و یک تن از نیروی دریایی بر اثر آتش دشمن به شهادت رسیدند. روز ۱۶ اسفند ماه نیز چهار نفر از افراد عراقی خود را به یگان ژاندارمری تبریز معرفی و تقاضای پناهندگی کردند.